

دیپلماسی ادامه دارد
سیدعباس عراقچیتحریم اسرائیل
تقابل کشورهای اروپایی با اسرائیلما و خوشبختی
در باره فیلم زیبا صدایم کناختلاف سکه‌ای
مخالفت دولت با طرح کاهش سقف مهریه

ملاقات سید و حکیم

سیدمحمد خاتمی
به دیدار دکتر رضا داوری اردکانی رفت

یادداشت روز

۴ ملاحظه در باب غنی‌سازی

تاکید آمریکابر غنی‌سازی صفر به چه معناست؟



کوروش احمدی

دیپلمات پیشین

آینده نشان خواهد داد که آیا سه‌شنبه گذشته (۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۴) یک نقطه عطف در مذاکرات ایران و آمریکا تلقی خواهد شد یا خیر. کما اینکه رهبری سخنان مقامات آمریکایی در مورد توقف یا تعلیق غنی‌سازی در ایران را «پاوه» و «غلط زیادی» خواندند و به این ترتیب پذیرش چنین گزینه‌ای را قاطعانه رد کردند. اگرچه ترامپ و اعضای تیم امنیتی او از آغاز مذاکرات تا ۱۴ اردیبهشت موضعی نوسانی و ناهماهنگی داشتند اما از آن تاریخ، تحولی در سیاست آنها حاصل شد. در این روز ترامپ اعلام کرد که «چیزی کمتر از برچیده شدن کامل برنامه هسته‌ای ایران» را نخواهد پذیرفت و بعد از او نیز نمایندگان همه جناح‌ها در تیم او به شمول جیدی ونس، رویو و ویتکاف کم و بیش همین معنا را تکرار کردند. در مورد دور بعدی مذاکرات، آقای عراقچی دیروز گفت که ایران مشغول بررسی برای شرکت یا عدم شرکت در دور بعدی است. مقامات آمریکایی علاوه بر اصرار بر توقف غنی‌سازی در ایران، ممکن است در دور آخر پیشنهاد کنسرسیومی را نیز داده باشند؛ با این شرط که محل استقرار تجهیزات مربوطه در خارج از ایران باشد. این شرطی است که ایران هرگز طی حدود ۲۰ سال گذشته آن را نپذیرفته است. اکنون سوال این است که آیا این تحولات ممکن است موجب توقف مذاکرات شود. الزاما نباید اینطور باشد. ملاحظاتی که در این مورد وجود دارد به شرح زیر قابل تلخیص است:

۱ موضوع غنی‌سازی صفر که آمریکا به طور علنی مطرح می‌کند، ممکن است تنها یک موضع مذاکراتی باشد. به این معنی که طرح این قبیل مواضع حداکثری از سوی آمریکا تنها به عنوان تاکتیکی برای گرفتن امتیازاتی در حوزه‌های دیگر در مراحل از مذاکرات مطرح شده باشد. در این صورت مذاکرات می‌تواند، ادامه یابد و امکان چانه‌زنی در مورد موضع آمریکا وجود خواهد داشت.

۲ جزئیات در مورد مطالبه «غنی‌سازی صفر» بسیار مهم است. آیا منظور این است که سانتریفیوژها به شکلی که استقرار دارند، باقی بمانند و تنها تزریق گاز UF₆ و چرخیدن آنها متوقف شود؟ طبیعتاً در چنین صورتی بازگشت آنها به مدار تولید در هر مقطعی ممکن خواهد بود. این به ویژه از آن جهت قابل توجه است که ترامپ در ۱۴ اردیبهشت تنها از «برچیدن برنامه هسته‌ای ایران» صحبت و اضافه کرد که در مورد ادامه برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران باید بررسی بیشتری انجام دهد. طسی این دو هفته ویتکاف نیز همیشه تنها از «غنی‌سازی صفر» بدون پرداختن به جزئیات سخن گفته است. سوال این است که منظور از «غنی‌سازی صفر» تعلیق است یا توقف؟ اگر منظور تعلیق است، برای چه مدت؟ می‌دانیم که ایران یک بار در ۱۳۸۲ در قالب بیانیه سعدآباد، تعلیق «موقت» و «اوپل‌بانه» غنی‌سازی را با هدف «اعتمادسازی» و ضمن تأکید بر «حق ذاتی خود برای غنی‌سازی در داخل» پذیرفت. این تجربه ممکن است بتواند در این رابطه به کار آید.

۳ مساله مهم‌تر این است که آمریکا در ازای «غنی‌سازی صفر» چه امتیازی حاضر است، بدهد. آیا آماده است در ازای این امتیاز اساسی و محوری، متعهد به لغو کلیه تحریم‌های اولیه و ثانویه که می‌تواند تنها ما به ازای منطقی غنی‌سازی صفر باشد، بشوند. بدیهی است که نکات محوری دیگری مانند راستی‌آزمایی، دسترسی، بندهای غروب، نحوه حل مشکلات با آژانس، مساله مکانیسم ماشه و... نیز وجود دارد که باید در مرکز توجه قرار گیرند. با این حال، اگر مساله اصلی یعنی غنی‌سازی به نحوی حل شود، امکان حل شدن سایر مسائل نیز وجود خواهد داشت.

۴ در صورت عدم امکان حل مساله غنی‌سازی، تلاش برای نیل به یک توافق موقت می‌تواند، راه‌حل دیگری باشد. یک توافق موقت امکان می‌دهد که فعلاً موضوع غنی‌سازی کنار گذاشته شود و به برخی مسائل آسان‌تر پرداخته شود و از این طریق امکانی برای کاهش تنش و اعتمادسازی فراهم شود. کاهش حجم و سطح غنی‌سازی از سوی ایران و کاهش تحریم‌ها می‌تواند در مرکز ثقل چنین توافق موقتی قرار گیرد.

اظهارات رهبری مبنی بر اینکه «گمان نمی‌کنیم به نتیجه برسند و نمی‌دانیم چه خواهد شد» به نظر می‌رسد که راه را برای تلاش‌های بیشتری و در قدم اول برگراری دور پنجم مذاکرات برای اطلاع از جزئیات مد نظر طرف آمریکایی باز گذاشته است. نقش تیم مذاکره‌کننده ایرانی و نیز واسطه عمانی که اخیراً قطر نیز گویا به نوعی وارد این وادی شده بسیار مهم خواهد بود.

هدا احمدی

گروه سیاسی



در پی حادثه تلخ و مهیب انفجار در بندر شهید رجایی بندرعباس در روز ششم اردیبهشت ۱۴۰۴، که جان ۵۸ نفر را گرفت، بیش از ۱۵۰۰ نفر را راهی بیمارستان کرد و خسارات وسیعی به زیرساخت‌های تجاری کشور وارد ساخت. محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور روز چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت در جلسه هیات دولت، گزارشی از سفر میدانی خود به هرمزگان ارائه داد؛ سفری که یک روز پیش‌تر، یعنی در ۳۰ اردیبهشت انجام شده بود و در آن جمعی از مدیران خدمات‌رسان و معاونان وزرا عارف را همراهی می‌کردند.

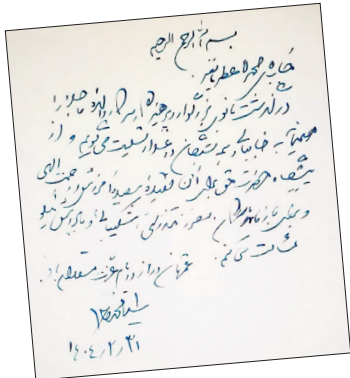
| ادامه در صفحه ۲



پیام

تسلیت خاتمی به عطریان‌فر

سیدمحمد خاتمی در پیامی به محمد عطریان‌فر درگذشت مادر ایشان را تسلیت گفت. رئیس‌جمهور پیشین ایران در پیام تسلیت خود آورده است: جناب آقای محمد عطریان‌فر، درگذشت بانوی بزرگوار و پرهیزگار سرکار والده واجده را صمیمانه به جنابعالی و همه بستگان داغدار تسلیت می‌گویم و از پیشگاه حضرت حق برای آن فقیده سعیده آمرزش و رحمت الهی و برای بازماندگان صبر و تدرستی و شکیبایی و پادش نیکو مسألت می‌کنم. عمرتان دراز باد و عزت مستدام. سیدمحمد خاتمی



حاشیه

پاسخ دهنوی به کوچکزاده

با تمام کشمکش‌ها، قانون الحاق ایران به کنوانسیون پالرمو سرانجام ابلاغ شد

دیروز، ابلاغ قانون الحاق ایران به کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی، موسوم به «پالرمو»، از سوی محمدباقر قالیباف رئیس‌مجلس، پس از سال‌ها بلاتکلیفی، اگرچه نقطه پایانی بر یک روند طولانی بود، اما با خود موجی از تنش‌های سیاسی، اختلافات نهاد‌های تصمیم‌گیر و واکنش‌های تند در صحن علنی مجلس به همراه آورد؛ گویی تصویب و اجرای یک معاهده بین‌المللی نه یک اجماع ملی بلکه صحنه‌ای برای نمایش شکاف‌های عمیق در سیاست‌ورزی ایران شده است. بلافاصله پس از ابلاغ رسمی قانون، فضای صحن علنی مجلس شاهد یکی از جنجالی‌ترین جلسات خود بود؛ جایی که مهدی کوچکزاده، نماینده تهران و از چهره‌های اصولگرا دو روز پیش در صحن علنی و در اعتراض به تصویب پالرمو، سخنگوی مجمع تشخیص مصلحت نظام را به دروغ‌گویی متهم کرد و مدعی شد که هم شورای نگهبان و هم مجمع، سال‌ها پیش با این مصوبه مخالفت کرده‌اند و اکنون تصویب آن نوعی تحریف واقعیت است. در پاسخ به این فضای پرتنش، سیدمحسن دهنوی، سخنگوی مجمع تشخیص، در شبکه اجتماعی ایکس به دفاع از روند قانونی تصویب پالرمو پرداخت. او با انتشار سلسله نوشته‌ای چند بندی تلاش کرد، افکار عمومی را نسبت به مراحل دقیق بررسی و تصویب این معاهده آگاه کند. به گفته دهنوی، ماجرای پالرمو از تیر ۱۳۹۷ آغاز شد، زمانی که آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی رئیس وقت مجمع، طی نامه‌ای به شورای نگهبان، ایرادات هیات عالی نظارت را اعلام کرد. با وجود آنکه شورای نگهبان مخالفتی با این لایحه نداشت، روند بررسی آن تا دی ماه ۱۴۰۳ به حالت تعلیق درآمد. در آن مقطع، با درخواست دکتر مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور وقت، رهبر انقلاب با بازنگری مجدد در مجمع موافقت کردند. دهنوی افزود که در جلسه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۴، مجمع تشخیص، نظر مجلس را تایید کرد و این تصمیم در چارچوب اصل ۱۱۲ قانون اساسی و ماده ۲۰۰ آیین‌نامه مجلس اتخاذ شد. او همچنین تصریح کرد که شورای نگهبان پیش از این اعلام کرده بود هیچ ایرادی به پالرمو وارد ندانسته و مصوبه مجلس از منظر شرعی و قانونی مغایرتی ندارد. این حواشی درحالی رخ داد که قالیباف، رئیس مجلس و فرد ابلاغ‌کننده این مصوبه در موضعی رسمی قرار نگرفت و تنها به انجام وظیفه قانونی خود طبق اصل ۱۲۳ قانون اساسی بسنده کرد. در عین حال، ماجرای پالرمو بار دیگر روشن کرد که در سیاست ایران، «مصوبه»‌ها الزماً پایان ماجرا نیستند. حتی تصمیماتی که با مجوز نهایی رهبر معظم انقلاب و تایید مجمع و شورای نگهبان همراه‌اند نیز می‌توانند توسط برخی به کانون بحران و جدل بدل شوند. پالرمو دیگر تنها یک معاهده بین‌المللی نیست؛ اکنون نشانه‌ای از نزاع‌های دیرینه بر سر استقلال نهادی، تفسیر از قانون اساسی و جایگاه واقعی مجلس در ایران است.

ادامه تیتربیک

چه خبر از بندرعباس؟



دیدار معاون اول رئیس‌جمهور با مصدومین و خانواده جانبختگان

صداقت، حضور و پاسخگویی.

همچنین دو روز گذشته اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضائیه، اعلام کرد که تاکنون دو نفر در رابطه با این حادثه بازداشت شده‌اند؛ یک مدیر دولتی و یک مدیر بخش خصوصی. از سوی دیگر روز گذشته هم مجتبی قهرمانی، رئیس کل دادگستری استان هرمزگان با اعلام شناسایی کامل ۵۸ جان‌باخته حادثه از واریز دبه تمامی قربانیان به صورت علی‌الحساب خبر داد. او گفت: «برای جلوگیری از طولانی شدن روند رسیدگی، دبه‌ها به حساب معین سپس به خانواده‌هایی که مدارک‌شان کامل بود، واریز شد». همچنین رئیس پلیس آگاهی فراجا نیز در آخرین خبر تایید کرد که شناسایی قربانیان با روش‌های علمی ازجمله آزمایش DNA و تطبیق اثر انگشت انجام شده و هیچ مورد فقدانی باقی نمانده است.

در کنار اقدامات دولتی، بخشی از امید و همبستگی ملی از دل بخش خصوصی برآمد. چند روز پیش فاطمه مهاجرانی، عضو هیات دولت در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس اعلام کرد که با همت اتاق‌های بازرگانی ایران و تهران، مبلغ ۲۷۶ میلیارد تومان کمک مالی از سوی بخش خصوصی برای آسیب‌دیدگان تخصیص یافته که با همکاری اتاق بازرگانی هرمزگان و استانداری به اجرا درمی‌آید. این اقدام، نشانه‌ای از تعامل مثبت دولت و بخش خصوصی در مدیریت بحران‌های ملی است.

از سوی دیگر، شرکت «سینا» به عنوان یکی از شرکت‌هایی که در محل حادثه فعالیت داشته در نامه‌ای رسمی به سازمان بورس، میزان خسارت وارده را حدود ۱۱۰ میلیارد تومان برآورد و اشاره کرد که دارایی‌های آسیب‌دیده تحت پوشش بیمه‌ای به ارزش ۷۵۲ میلیارد تومان قرار دارند. این شرکت در پاسخ به انتقادات اولیه درباره دلایل حادثه تاکید کرد که بررسی دقیق علت انفجار در اختیار کمیته ویژه استانداری هرمزگان است و تا زمان اعلام نتایج نهایی از گمانه‌زنی پرهیز خواهد کرد.

عارف با ابراز قدردانی از تلاش‌های استاندار هرمزگان، ستاد مدیریت بحران و تمامی نهادهای فعال در مهار پیامدهای حادثه، تاکید کرد که مردم هرمزگان، به‌ویژه خانواده‌های آسیب‌دیده، «مطالبات جدی» دارند. او هشدار داد که بخشی از این مطالبات به مسئولیت مستقیم دولت بازمی‌گردد و نمی‌توان آن را معوق گذاشت. در نگاه عارف، این حادثه دیگر یک فاجعه محلی نیست؛ بلکه «مطالبه‌ای ملی» پدید آمده که نیاز به پاسخ سریع، شفاف و قاطع دارد. او تصریح کرد که کمیته بررسی علل حادثه، هرچه زودتر گزارش نهایی خود را منتشر کند و با شفاف‌سازی دلایل وقوع انفجار و معرفی مقصران، زمینه برخورد قانونی را فراهم آورد: «شناسایی علل حادثه انفجار بندر شهیدرجایی یک مطالبه ملی است. مردم منتظرند. این یک خواست عمومی است. باید بدانند چه شده، چرا شده و چه کسی پاسخگوست». معاون اول رئیس‌جمهور در ادامه سخنانش به نقش استراتژیک بندر شهید رجایی در چرخه اقتصاد کشور اشاره کرد و وزارت راه و شهرسازی را مامور کرد تا با همکاری سایر بخش‌ها، روند بازسازی سریع اسکله‌های آسیب‌دیده را در اولویت قرار دهند. او تاکید کرد: «تنباید بگذاریم وقفه‌ای جدی در خدمات‌رسانی و صادرات و واردات کشور رخ دهد. بندر باید به مدار خدمت بازگردد».

از بحران تا بازسازی اعتماد عمومی

حادثه انفجار در بزرگ‌ترین بندر تجاری ایران در روز شنبه ششم اردیبهشت، نه‌تنها یکی از تلخ‌ترین فجایع سال‌های اخیر را رقم زد بلکه به شدت ساختار لجستیک، تجارت و حمل‌ونقل دریایی کشور را تحت تاثیر قرار داد. انفجار در محوطه کانتینری موجب تخریب گسترده تاسیسات، خودروها و تجهیزات اطراف شد و موجی از نگرانی، همدردی و خشم را در کشور به راه انداخت. در نخستین ساعات پس از حادثه، رئیس‌جمهور مسعود پزشکیان با حضور در بندرعباس از محل حادثه بازدید کرد، به مجروحان سر زد و در جلسه مدیریت بحران استان شرکت کرد. اعزام سریع وزرای کشور، راه و شهرسازی و تعاون به دستور مستقیم رئیس‌جمهور، نشان از حساسیت بالا و فوریت تصمیم‌گیری دولت چهاردهم داشت.

حال با گذشت نزدیک به یک ماه از حادثه، اکنون نگاه‌ها به تصمیمات عملی دولت دوخته شده است. مطالبات مردم، از پاسخگویی شفاف گرفته تا بازسازی سریع و حمایت از خانواده‌های آسیب‌دیده، همچنان پابرجاست. عارف به درستی این مطالبات را «ملی» توصیف کرد. او با زبان هشدار و مسئولیت، گفت: نمی‌توان با مسکن‌های موقت، زخم‌های عمیق این حادثه را پوشاند.

دولت باید با بهره‌گیری از هم‌افزایی بین دستگاه‌های اجرایی، نهادهای مدنی، رسانه‌ها و مردم از این حادثه تلخ، یک تجربه مدیریتی برای آینده بسازد. حادثه بندر شهید رجایی، نه‌تنها آزمون‌پسرای آمادگی در برابر بحران بلکه فرصتی برای بازتعریف نسبت دولت با مردم است؛ نسبت

یادبود

پزشکیان از ساده‌زیستی رئیس دولت سیزدهم گفت

بزرگداشت نخستین سالگرد شهادت رئیسی و همراهانش در مجلس

ببینند: نه آنکه از پشت دوربین، روایت‌های وارونه بسازند. یکی از مهم‌ترین محورهای سخنان وی، تأکید بر انتخاب آگاهانه این شهیدان برای سبک زندگی ساده بود. به گفته او، هر کدام از این عزیزان با جایگاه و مدرک تحصیلی خود، می‌توانستند راهی دیگر بروند اما نخواستند و پذیرفتند؛ نه خود و نه خانواده‌شان. این انتخاب آگاهانه، از دید رئیس‌جمهور، مهم‌تر از هر سخن و شعاری است. در پایان، رئیس‌جمهور بر تعهد دولت نسبت به خانواده‌های شهدا تأکید کرد و گفت: ما خود را مدیون این عزیزان می‌دانیم و تا زمانی که نفس داریم، خدمت به خانواده‌های‌شان را افتخار می‌دانیم. به آن‌ها گفته‌ام ما را مانند برادر و خواشوند بدانند. خدا کند سرمندشان نشویم. این مراسم، نه‌تنها بزرگداشت نام و یاد شهیدان پرواز اردیبهشت بود بلکه تبلوری از سبک زندگی اسلامی – ایرانی و تجسمی زنده از صداقت در خدمتگزاری در بالاترین سطوح مدیریت کشور بود.

که در شهر دیگری سکونت دارند. به گفته وی، آنچه دیده، فراتر از هر واژه و تفسیر بوده است: خانه‌هایی معمولی، رفتارهایی بی‌تکلف و فضاهایی آکنده از سلامت و صداقت.

پزشکیان با اشاره به منزل شهید رئیسی در مشهد افزود: «خانه‌ای بود در محله‌ای پایین‌تر از سطح متوسط جامعه». همین تصویر در تهران نیز تکرار شد. خانواده رئیس‌جمهور فقید، در خانه‌ای ساده و بی‌آلایش در یکی از محله‌های عادی پایتخت زندگی می‌کردند. این مشاهدات، تأییدی عملی بر صداقت و سلامت مسئولانی است که به راستی در تراز خدمتگزاران بی‌ادعا ظاهر شدند.

رئیس‌جمهور در ادامه، صراحتاً تبلیغات مغرضانه دشمنان را مورد انتقاد قرار داد و گفت: «آنها که خود غارتگر ملت‌ها هستند، ما را به فساد متهم می‌کنند.» او افزود: کسانی که پشت تریبون‌ها به قضاوت می‌نشینند، اگر انصاف دارند، بیایند و زندگی این شهیدان را از نزدیک

نخستین سالگرد درگذشت سیدابراهیم رئیسی، حسین امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه دولت سیزدهم و یاران هم‌راهش در سانحه هوایی اردیبهشت ماه، صبح چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت با حضور مقامات بلندپایه کشوری و لشگری در صحن علنی پارلمان برگزار شد.

در نخستین ساعات صبح چهارشنبه، صحن علنی مجلس دوازدهم میزبان چهره‌هایی بلندپایه از قوای کشور بود: رئیس‌جمهور، معاون اول، جمعی از وزرا، اعضای شورای نگهبان، ائمه‌جمعه و شماری از مسئولان دولت سیزدهم در آیین بزرگداشت شهدای پرواز اردیبهشت حضور یافتند.

مراسمی که رنگ و بوی احترام، تجلیل و تحلیل به خود گرفت.

رئیس‌جمهور در سخنانی با تأکید بر زنده بودن یاد شهیدان در دل ملت ایران از حقیقتی پرده برداشت که کمتر در قاب رسانه‌ها جای می‌گیرد: سبک زندگی ساده و صادقانه دولتمردان شهید. او گفت به دیدار خانواده‌های تمامی شهدای این حادثه رفته به‌جز خانواده شهید دریاتوش

دیپلماسی ادامه دارد

سیدعباس عراقچی با تاکید بر مقابله با زیاده‌خواهی‌ها در پشت میز مذاکره اعلام کرد که در حال بررسی ابعاد دور بعدی مذاکرات غیر مستقیم هستیم

گروه بین‌الملل: سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه در حاشیه مراسم بزرگداشت نخستین سالگرد شهادت حسین امیرعبداللهیان، وزیر خارجه پیشین کشورمان و گرامیداشت یاد و خاطره «شهادی خدمت» که چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت در محل وزارت خارجه برگزار شد، در پاسخ به پرسشی درباره وضعیت مذاکرات غیرمستقیم جاری میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات‌متحده گفت: ما پاسخ به درخواست‌های غیرمنطقی را پیش‌تر داده‌ایم و این صحبت‌های غیرمعمول کمکی به پیشبرد گفت‌وگوها نمی‌کند.

وزیر خارجه در ادامه در پاسخ به پرسشی درباره رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت سیزدهم گفت: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سطح کلان خود یک سیاست مستمر و جاری است و دولت‌ها و وزرای امور خارجه در چارچوب سیاست‌های کلانی حرکت می‌کنند که اصول آن در مکان‌های دیگری تعیین می‌شود. این رویه در دیگر کشورهای جهان نیز به همین صورت است. اما ابتکارات هر دولت و به عبارت دیگر، سیاست‌های جاری و شیوه‌هایی که به کار می‌برد، می‌تواند در پیشبرد بهتر این سیاست‌ها تاثیرگذار باشد. رئیس دستگاه دیپلماسی با اشاره به اینکه ما تلاش کردیم

وزیر خارجه ادامه داد: موضع ما کاملاً روشن است؛ غنی‌سازی، چه با توافق و چه بدون توافق، ادامه خواهد داشت اما اگر طرف‌ها تمایل دارند نسبت به برنامه صلح‌آمیز ایران شفافیت وجود داشته باشد، ما آمادگی داریم. با این حال، در مقابل، گفت‌وگو درباره رفع تحریم‌های ظالمانه‌ای که به دلیل ادعاها درباره برنامه هسته‌ای ما وضع شده‌اند باید صورت گیرد و این تحریم‌ها برداشته شوند.

رئیس دستگاه دیپلماسی تاکید کرد: اگر درخواست‌های بیشتری مطرح شود و بخواهند ما را از حقوق مسلم خود محروم کنند، هیچ‌گونه جای‌پذیرشی برای آن وجود ندارد. عراقچی درباره امکان حضور ایران در دور بعدی مذاکرات گفت: ما در حال بررسی این موضوع هستیم که آیا در دور بعدی مذاکرات شرکت کنیم یا نه. در برابر زیاده‌خواهی‌ها در پشت میز مذاکره مقابله خواهیم کرد اما هرگز دیپلماسی را ترک نکرده‌ایم. ما هنوز در حال بررسی این موضوع هستیم که آیا در آن تاریخ و در آن مکان، مذاکراتی مفید و سودمند می‌تواند برگزار شود یا خیر.

رئیس دستگاه دیپلماسی تاکید کرد: اگر درخواست‌های بیشتری مطرح شود و بخواهند ما را از حقوق مسلم خود محروم کنند، هیچ‌گونه جای‌پذیرشی برای آن وجود ندارد.

جهان:یک موضوع

تحریم اسرائیل

دور جدید حملات اسرائیل به غزه، موج تقابل کشورهای اروپایی با اسرائیل را به راه انداخت

فرشاد گلزاری

گروه بین‌الملل

از چند روز پیش دور جدید حملات زمینی و هوایی اسرائیل علیه غزه آغاز شده و جهان به صورت علنی در حال نظاره کردن گسترش فاز جدید اقدامات نظامی در این باریکه هستند. در این خصوص به گزارش ایسنا، منابع خبری (چهارشنبه) اعلام کردند که ارتش اسرائیل از سه‌شنبه‌شب و در چارچوب گسترش عملیات زمینی در نوار غزه، سه تیپ نظامی خود را وارد این منطقه کرده است. طبق این گزارش، تیپ‌های «ناحال»، «گولانسی» و «کفیر» همگی در قالب اجرای طرح موسوم به «ارابه‌های گدعون» به غزه اعزام شده‌اند و ورود همزمان این سه تیپ به عملیات زمینی، یک تحول مهم در تاکتیک‌های نظامی اسرائیل محسوب می‌شود و حاکی از تلاش برای تشدید فشار بر نیروهای مقاومت در مناطق مختلف نوار غزه است. به موازات شروع این عملیات زمینی، برخی از رسانه‌های اسرائیلی اعلام کرده‌اند که ارتش اسرائیل برای اجرای عملیات زمینی گسترده در نوار غزه به مدت حدود دو ماه آماده می‌شود که شامل اشغال بخش زیادی از مناطق این باریکه است تا همزمان با اجرای عملیات گسترده زمینی در نوار غزه به فرآیند کوچ اجباری ساکنان غزه سرعت ببخشد. در این مسیر باید توجه داشت که اقدامات نظامی اسرائیل صرفاً به حمله زمینی محدود نمی‌شود بلکه نیروی هوایی اسرائیل هم در حال انجام حملات متعدد به محلات و غیرنظامیان در غزه است. به‌عنوان مثال، منابع خبری در غزه (چهارشنبه) اعلام کردند که در بمباران منزل مسکونی متعلق به یک خانواده در جباليا ۱۲ نفر جان باختند و ده‌ها زخمی شدند. همچنین در بمباران منزل مسکونی یک خانواده دیگر نیز چند غیرنظامی جان باختند و شماری زخمی شدند و نیروهای امدادی در حال تلاش برای خارج کردن زخمی‌ها و اجساد جان باختگان از زیر آوار هستند. همچنین اعلام شده که جنگنده‌های اسرائیل در ۲۰ نوبت مناطق مسکونی جنوب و شرق شهر خان‌یونس در جنوب نوار غزه را بمباران کردند. در واکنش به این تحولات، گروه‌های مقاومت فلسطین با صدور بیانیه‌ای، این اقدامات را تداوم سیاست نسل‌کشی اسرائیل دانستند و اعلام کردند که این جنگ محکوم به شکست است و گفتند که تلاش‌های دشمن برای کوچاندن مردم ما از غزه راه به جایی نخواهد برد و جامعه ملل باید وارد میدان شود.

تزیق گرسنگی

آنچه در این میان باید مورد نظر قرار بگیرد این است که اقدامات نظامی اسرائیل علیه غزه و دور جدید حملات به این باریکه در



حالی زیر ذربین قرار گرفته که شاهد تزیق گرسنگی اجباری به ساکنان این منطقه از سوی اسرائیل هستیم. در این خصوص عدنان ابوحنه، مشاور رسانه‌ای آژانس امدادرسانی و کاربایی سازمان ملل برای آوارگان فلسطینی (آنروا) در اظهاراتی با محکوم کردن جنایت گرسنگی دادن میلیون‌ها فلسطینی اعلام کرد که سوءتغذیه جان بیش از یک میلیون نفر در غزه را تهدید می‌کند. وی همچنین به صورت رسمی اعلام کرده که ۲۵۰ هزار فلسطینی نوار غزه به مرحله پنجم فقدان امنیت غذایی رسیده و با گرسنگی مواجه هستند و ۹۵۰ هزار فلسطینی دیگر نیز در دو مرحله چهارم و پنجم قرار داشته و در خطر شدید قرار دارند. مشاور رسانه‌ای سازمان آنروا همچنین گفت که سوءتغذیه گسترده صدها هزار کودک، مادر، زن حامله و نوزاد شیرخوار را در بر گرفته و حالا ۷۰ هزار کودک با سوءتغذیه بسیار شدید مواجه بوده و لازمه شرایط فاجعه‌بار انسانی در غزه دخالت فوری توسط سازمان‌ها و طرف‌های بین‌المللی است. همچنین در گزارش‌ها آمده است که هشدارهای بین‌المللی حاکی از آن است که سیاست گرسنگی عمدی و استفاده از غذا به‌عنوان سلاح برای تحقق اهداف سیاسی و نظامی اسرائیل انجام می‌شود و مخالفت با ایجاد یک سازمان بشردوستانه جایگزین در جنوب نوار غزه برای مقاصد به منظور جابه‌جایی داخلی ساکنان غزه و شاید اخراج آنان به خارج انجام شده است.

اروپا علیه نتانیاهو

نکته نهایی و بسیار مهم این است که این تحولات به حدی اوضاع

را به سمت یک بحران انسانی سوق داده که حالا دولت‌های عضو اتحادیه اروپا به دنبال هدف قرار دادن اسرائیل از منظر اقتصادی و سیاسی هستند. در این راستا پس از توقف مذاکرات تجاری بین لندن و تل‌آویو بابت گسترش فعالیت‌های غیرقابل قبول نظامی اسرائیل در غزه، انگلیس خود را برای وضع تحریم‌هایی علیه مقام‌های ارشد اسرائیل آماده می‌کند و حالا دیوید لمی، وزیر خارجه انگلیس (چهارشنبه) تایید کرد که دولت درحال بررسی اعمال تحریم علیه وزرای کابینه اسرائیل است و این مسائل را تحت بررسی دارند. همچنین ماریا مالمر استترگارد، وزیر خارجه سوئد اعلام کرد که کشورش در داخل اتحادیه اروپا فشارهایی را برای تحریم برخی وزرای اسرائیل به دلیل نحوه برخورد اسرائیل با غیرنظامیان فلسطینی در غزه وارد می‌کند. یوناس گار استوره، نخست‌وزیر نروژ هم در اظهاراتی صریح اعلام کرد که کشورش ممکن است، اقداماتی ازجمله تحریم‌هایی را علیه اسرائیل در نظر گیرد.

همچنین پنی وانگ، وزیر خارجه استرالیا نیز با امضای بیانیه مشترک با ۲۲ کشور دیگر ازجمله بلژیک، کانادا، دانمارک، استونی، فنلاند، فرانسه، آلمان، ایسلند، ایرلند، ایتالیا، ژاپن، لتونی، لیتوانی، لوگزامبورگ، هلند، نیوزیلند، نروژ، پرتغال، اسلونی، اسپانیا، سوئد و انگلیس خواستار ارسال کمک‌ها به غزه و اعمال فشار بر اسرائیل شد. این درحالی است که (چهارشنبه) الجزیره اعلام کرد که سربازان اسرائیل به سمت هیئت دیپلماتیک اروپایی طی بازدید آن‌ها از اردوگاه جنین در شمال کرانه‌باختری تیراندازی کردند و این هیات شامل ۳۰ سفیر و سرکنسول عربی و اروپایی بودند که به جنین سفر کردند.



امیرعبداللهیان آغاز کردند و هم در ادامه این مسیر در دولت چهاردهم به نتایج خوبی دست یافته‌ایم.

پزشکیان به عمان می‌روند

در این راستا مهدی سنایی، معاون سیاسی رئیس‌جمهور (چهارشنبه) در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «دکتر پزشکیان به دعوت سلطان عمان ۶ و ۷ خرداد سفری رسمی به مسقط دارد. به علاوه دیدارهای رسمی، امضای اسناد متعدد ازجمله ۴ موافقت‌نامه تجارت ترجیحی، حمایت سرمایه‌گذاری متقابل، همکاری گمرکی و نقشه راه روابط و برگزاری دو همایش تجاری و ایرانیان مقیم در برنامه است. اعتماد میان دو کشور مثال‌زدنی است».

آمریکا

گنبد طلایی ترامپ

سامانه پدافندی آمریکا به چه دلیل رونمایی شد؟

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا و پیت هگست وزیر دفاع این کشور، شامگاه سه‌شنبه در کاخ سفید اعلام کردند: «سال‌ها قبل رونالد ریگان به دنبال ساخت پدافند موشکی گنبد طلایی بود اما فناوری ممکن برای ساخت آن وجود نداشت. آن را در بالاترین سطح ممکن خواهیم داشت». او افزود: «در طول کارزارم وعده دادم که پدافند موشکی گسترده برای دفاع از کشورمان خواهم ساخت. مهندس و طراح برای ساخت این پروژه مشخص شده است. کانادا نیز خواستار مشارکت در این طرح شده و مثل همیشه به کانادا کمک خواهیم کرد». ترامپ گفت: «پیش از پایان یافتن دوره من، طرح کنونی گنبد طلایی با ساختار پدافندی کنونی کشورمان ادغام خواهد شد. پس از تکمیل شدن ساخت آن، گنبد آهنین توانایی مقابله با موشک‌های شلیک شده حتی از سوی فضا را خواهد داشت».

او افزود: «ما به اسرائیل برای ساخت گنبد آهنین کمک کردیم و اکنون فناوری بسیار پیشرفته‌ای داریم. موشک‌های کروز و هایپرسونیک را سرنگون خواهیم کرد». ترامپ ادعا کرد: «میزان موفقیت این سیستم پدافند، نزدیک به ۱۰۰ درصد است و ساخت آن حدود ۱۷۰ میلیارد دلار سرمایه نیاز خواهد داشت».

طرح جدید ترامپ برای ایجاد «گنبد طلایی» با هدف مقابله با تهدیدات موشکی و فراطوتی با واکنش‌های گسترده‌ای از سوی کارشناسان نظامی و فناوری مواجه شده است. این سامانه که قرار است شامل لایه‌های دفاعی زمینی، ماهواره‌ای و رهگیرهای فضایی باشد به‌عنوان نسخه‌ای پیشرفته‌تر از «گنبد آهنین» اسرائیل معرفی شده اما بسیاری از کارشناسان نظامی آمریکایی را غیرعملی و پرهزینه می‌دانند. براساس گزارش منتشر شده از سوی سی.ان.ان. اجرای کامل این طرح بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار هزینه در بر خواهد داشت.



ویرتین: تازه‌های کتاب

شجاعت مواجهه با جباریت

در باب جباریت لئو اشتراوس اثری یکتا و منحصر‌به‌فرد درباره جباریت است



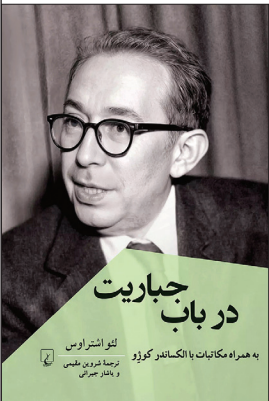
لئو اشتراوس از تأثیرگذارترین نظریه‌پردازان فلسفه سیاسی قرن بیستم محسوب می‌شود. او شاگردان زیادی را در دانشگاه شیکاگو تربیت کرد و محققان برجسته‌ای که به اشتراوسی‌ها معروف هستند از مکتب فکری او پیروی می‌کنند. روش منحصر‌به‌فرد و پیچیده اشتراوس در تفسیر آثار و اعتقادات نویسندگان بزرگ و انتقادانش از مدرنیته باعث شده تا اشتراوس و مکتب فکری او مخالفان زیادی نیز داشته باشند. بیشتر آثار اشتراوس به تفسیر متون قدیمی تاریخ فلسفه به ویژه آثار افلاطون و ارسطو اختصاص دارد که برای تفسیر آن‌ها از آثار فلاسفه مسلمان و یهودی قرون وسطی چون ابن‌مییون و فارابی بهره می‌گیرد. اشتراوس از منتقدان فلسفه مدرن است و معتقد است، دیدگاه‌های فلاسفه قدیمی و ادیان وحیانی به مراتب محکم‌تر از نظرات پایه‌گذاران فکری مدرنیته چون ماکیاولی، هابز، لاک و ژان ژاک روسو بوده است و تلاش دارد تا نشان دهد که فلاسفه مدرن تنها با نادیده گرفتن استدلال‌های فلاسفه قدیمی توانسته‌اند بر آن‌ها پیروز شوند.

«در باب جباریت» لئو اشتراوس که انتشارات ققنوس به تازگی آن را با ترجمه شروین مقیمی و یاشار جیرانی منتشر کرده، اثری یکتا و منحصر‌به‌فرد در باب جباریت است. اشتراوس در این کتاب که نخستین مجلد از سه‌گانه کسنوفونی اوست، تصمیم می‌گیرد مطالعه خود در باب جباریت را از طریق شرحی بسیار دقیق بر دیالوگ پیشامدرن و فراموش شده کسنوفون تحت عنوان هیرون (گفت‌وگویی میان یک حکیم و یک جبار) ارائه کند. این کتاب نخستین بار در اوج بحران جباریت مدرن و سر برآوردن حکومت‌های توتالیتز منتشر شد اما برخلاف همتایانش، جدل‌نامه‌ای در باب جبارت و آزادی نیست و بیش از هر چیز تأملی در باب مسأله هستی است که اشتراوس در پاسخ به کوژو آن را این‌گونه صورت‌بندی می‌کند: «کسی که شجاعت مواجهه با مسأله جباریت را نداشته باشد، لاجرم از مسأله هستی نیز خواهد گریخت.»

«در باب جباریت» نشان می‌دهد چگونه شجاعت مواجهه با جباریت به مثابه یک مسأله و نه یک شر از نظرگاه اخلاقی-سیاسی که باید در عمل فروگرفته شود به یافتن بنیادی برای پرسش «چرا فلسفه؟» منجر می‌شود. به باور اشتراوس، جباریت مدرن به تفکیک از جباریت پیشامدرن، همواره به واسطه نسبتش با ایدئولوژی و تکنولوژی وجود نوعی علم یا فلسفه را پیش فرض می‌گیرد. در حقیقت، جباریت مدرن بیان جنون‌آمیز آرزوهایی است که واضح‌ترین بنیادهای خود را در موسس فلسفه سیاسی مدرن یعنی ماکیاولی می‌یابد. اشتراوس در این کتاب نشان می‌دهد چگونه نقد یا فهم جباریت مدرن فقط از طریق فهم بنیادهای فلسفه سیاسی مدرن ممکن است؛ و این‌که چنین امکانی فقط از رهگذر نظرگاه غیرمدرنی گشوده می‌شود که در عین حال فلسفه هم باشد؛ از طریق احیای فلسفه سیاسی کلاسیک زمانی که مستقیماً در باب پدیدار جباریت می‌اندیشد. اشتراوس از این طریق فلسفه سیاسی را بر خواننده متجلی می‌سازد که خود را دقیقاً در تمایز با عمیق‌ترین آرزوهای زندگی سیاسی به‌مثابه

امکان‌هایی ضدفلسفی می‌فهمد. در این مجلد هم چنین مکاتبه مشهور اشتراوس با الکساندر کوژو نیز گنجانده شده است، مکاتبه‌ای که به‌واسطه دفاع رادیکال و تمام‌قد کوژو نه فقط از فلسفه سیاسی مدرن بلکه از جباریت مدرن به فهم بهتر موضوع اشتراوس و مناسب آن یاری می‌رساند.

«در باب جباریت» گفت‌وگو میان یک سلطان مطلق‌العتان و اندیشه‌های انتقادی است که از دل تاریخ، بازتاب مشکلات و تناقض‌های مرتبط با قدرت و مدیریت سیاسی را به تصویر می‌کشد. اشتراوس در این اثر، تلاش می‌کند تا زوایای پنهان بحث‌های تاریخی درباره تمرکز قدرت را روشن کند و خواننده را به تفکر عمیق درباره مسئولیت‌های فردی و جمعی دعوت نماید. در ابتدای کتاب، اشتراوس به معرفی چارچوب تاریخی و فلسفی گفت‌وگوی مطرح شده می‌پردازد؛ گفت‌وگویی که در آن تیره‌نیکوس، به عنوان نمادی از حکومت‌های استبدادی، با نقدهای شاعرانه و تیزبینانه‌ای درباره محدودیت‌های قدرت مواجه می‌شود. این دیالوگ که به ظاهر صرفاً یک مباحثه درباره مزایا و معایب اقتدار مطلق به نظر می‌رسد، در واقع دریچه‌ای به چالش‌های اخلاقی، اجتماعی و فلسفی است که هر جامعه‌ای در طول تاریخ با آن روبرو بوده است. از طرف دیگر، سبک نگارش اشتراوس همواره ترکیبی از زبان فنی آکادمیک و روایی انسانی است؛ زبانی که باعث می‌شود، مفاهیم پیچیده به شکلی قابل لمس برای خواننده ارائه شوند. او با استفاده از مثال‌های ملموس، داستان‌های تاریخ‌ساز و اشارات به تجربیات انسانی، مرز میان دنیای تئوری‌های سیاسی و دنیای واقعی زندگی را به طریی هنرمندانه از میان برمی‌دارد. هم چنین از منظر اهمیت و تأثیرگذاری، «در باب جباریت» اثری تأثیرگذار در مباحث نظریه سیاسی محسوب می‌شود. بسیاری از متفکران و دانشمندان سیاست از این کتاب به‌عنوان نقطه شروع برای درک درست مسائل مربوط به ظلم و اقتدار بهره برده‌اند. به طور کلی، این کتاب به خواننده یادآوری می‌کند هر نوع تمرکز بیش از حد قدرت، حتی اگر در ظاهر به نفع نظم و ثبات جامعه باشد، می‌تواند عواقب جدی برای ارزش‌های اخلاقی و آزادی‌های فردی داشته باشد. این نقد بی‌پرده از استبداد، امری است که هم‌چنان در مباحث سیاسی معاصر جایگاه ویژه‌ای دارد و خوانندگان را به تأمل مجدد در ارزش‌های دموکراسی و حقوق بشر فرا می‌خواند.



در باب جباریت

به‌همراه مکاتبات با الکساندر کوژو
لئو اشتراوس
ترجمه شروین مقیمی و یاشار جیرانی
انتشارات ققنوس
۳۷۶ صفحه
۳۹۰ هزار تومان

ملاقات سید و حکیم

سیدمحمد خاتمی به دیدار دکتر رضا داوری اردکانی رفت

جدالی که داوری و دیگر شاگردان سیداحمد فریدد در يك طرف بودند و عبدالکریم سروش و هوادارانش در طرف دیگر؛ اما اکنون سال‌های بسیاری گذشته و مناسبات گذشته، دست‌خوش تغییرات بزرگی شده است. تغییرات داوری به حدی است که می‌توان از «داوری متقدم» و «داوری متأخر» یا «داوری يك» و «داوری دو» سخن به میان آورد. داوری متقدم ضدغرب بود و مدرنیته را حاصل نفسانیت می‌دانست و بر آن بود که تجدد باید ریشه‌کن شود اما داوری متأخر اگرچه منتقد برخی از وجوه مدرنیته و غرب است اما ضدغرب نیست و دیگر هوس ریشه‌کن کردن مدرنیته را در سر نمی‌پروراند.

در دهه ۶۰ که روشن‌فکران دینی تلاش داشتند بین مدرنیته و سنت تعامل برقرار کنند و با این هدف به سراغ بسط و ترویج اندیشه‌های پوپر رفتند، رضا داوری و دیگر هایدگری‌ها بر آنان سخت شوری‌دند و پوپر را تنگ فلسفه دانستند. به‌گونه‌ای که داوری در مقاله «علم و آزادی آری، التقاط نه» که فروردین ۱۳۶۵ در مجله «کیهان‌فرهنگی» منتشر شد، پوپر را يك سوفسطایی وابسته به منورالفکری قرن هجدهم دانست اما سال‌ها بعد نظرات کاملاً متفاوتی را مطرح می‌کند و در گفت‌وگویی می‌گوید: «می‌توان به آرای پوپر مثل آرای هر فیلسوف دیگری رو کرد، آن را خواند، نقد و بحث کرد اما اگر همین آرا را به صورت جزم درآوریم و آنها را ضد دیگران علم کنیم و ترویج دهیم، دیگر اهل فلسفه و تفکر نیستیم. از پوپر مشکل‌تر هایدگر است چراکه وی درباره سیاست و مسائل جاری جامعه خیلی کمتر از پوپر سخن گفته است.» داوری در ادامه همین گفت‌وگو درباره درآمیختگی و التقاط فلسفه با سیاست نکات قابل تأملی را مطرح کرده و از این‌که در برهه‌ای وارد نزاع‌های بی‌حاصلی شده، اظهار پشیمانی می‌کند: «اگر فلسفه را تبدیل به سیاست بکنیم و آن را در میدان مخالفت و موافقت جولان بدهیم، این نه سیاست است و نه فلسفه، این شترمرغ‌آبی نه‌تها پد است بلکه نشانه بدی است که می‌تواند دال بر قصور فهم و ادراک باشد.

سیدمحمد خاتمی، رئیس دولت اصلاحات (دولت هفتم و هشتم) عصر سه‌شنبه با حضور در منزل دکتر رضا داوری اردکانی با او دیدار و گفت‌وگو کرد.

سیدمحمد خاتمی و داوری اردکانی هم‌شهری و هر دو دانش‌آموخته فلسفه هستند. اما در دهه اول انقلاب شاید بتوان گفت از نظر فکری و سیاسی اختلاف‌نظرهایی داشتند چراکه رضا داوری جزو شاگردان سیداحمد فریدد محسوب می‌شد و از نظر سیاسی به جناح راست‌گرا نزدیک بود اما سیدمحمد خاتمی از نظر فکری بیشتر به نواندیشان دینی یا به عبارت دیگر روشنفکران دینی قرابت بیشتری داشت و از نظر سیاسی هم جزو اردوگاه خط امامی و چپ به حساب می‌آمد. با این حال وقتی خاتمی به‌عنوان در خرداد ۱۳۷۶ به‌عنوان رئیس‌جمهور برگزیده شد، یک سال بعد یعنی در مرداد ۱۳۷۷ داوری را به ریاست فرهنگستان علوم منصوب کرد و تا پایان دولتش و پس از او در دولت‌های بعدی این حکم اقامه شد تا این‌که در نهایت در مرداد ۱۴۰۲ از ریاست فرهنگستان کناره‌گیری کرد. دکتر رضا داوری ۹۱ سال دارد و بیش از ۶۰ سال است که در فضای فکری ایران حضوری فعال و مستمر دارد و آراء و نوشته‌هایش موافقت‌ها و مخالفت‌های فراوانی برآگیخته است. به نظر می‌رسد که داوری طی ۳ دهه اخیر با مشاهده نتایج برخی از آراء خود همچنین سوء تفاهم‌ها و کج‌فهمی‌هایی که نسبت به نظرات او وجود داشته به دریافت‌ها و تفکرات متفاوتی نسبت به دهه ۶۰ رسیده و با شجاعت و شهامت يك متفکر اصل تغییرات و تحولات فکری خود را بر آفتاب افکند و به گفته خودش در کتاب «فلسفه، سیاست و خشونت» به محاکمه خویش نشست. اهمیت و مماس بودن آراء دکتر داوری با زمانه به‌حدی است که به‌جرات می‌توان هم‌صدا با یورگن هابرماس او را مهم‌ترین متفکر زنده ایران دانست.

داوری متقدم و داوری متأخر

نام رضا داوری اردکانی که می‌آید، ناخودآگاه همه به یاد جدال پوپری‌ها و هایدگری‌ها از میانه دهه ۶۰ تا میانه دهه ۷۰ می‌افتد؛

نقد فیلم

خوشبختی سراغ ما هم می‌آید

زیا صدایم کن یک داستان خانوادگی زیبا را روایت می‌کند

اما نکته مهم در «زیا صدایم کن» نه بازیگر نوجوان و بازی امین حیایی بلکه اقتباسی است که او از یک کتاب برگزیده انجام داده است. چراکه فیلم‌های قبلی این فیلمساز از ضعف فیلمنامه رنج می‌بردند اما در اینجا داستان به خوبی ساخته و پرداخته شده، شخصیت‌پردازی‌ها درست و بجاست و ریتم و ضرباهنگ فیلم هم دقیق و بی‌نقص است.

کتاب زیا صدایم کن نوشته فرهاد حسن‌زاده که توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده، داستان دختر ۱۵ ساله‌ای است که در موسسه‌ای زیر نظر بهزیستی زندگی می‌کند. مادر معتادش ازدواج کرده و پدرش به دلیل بیماری روانی در آسایشگاه بیماران روانی بستری است. زیا در روز تولدش به پدر کمک می‌کند تا از آسایشگاه فرار کند، پدر موتور یکی از کارکنان آسایشگاه را می‌دزد تا با هم به گردش بروند و تولد زیا را جشن بگیرند. اما به زودی از همدستی با پدرش پشیمان می‌شود. پدر تعادل روانی ندارد و هر لحظه به حالی درمی‌آید؛ گاهی خوب است و گاهی بد و گاهی دچار جنون و گاهی دچار توهم می‌شود. سرانجام زیا، پدر را به بیمارستان برمی‌گرداند و تولدش را با کسانی که در کنارشان امنیت دارد، جشن می‌گیرد.

صدرعاملی ۶ سال پیش این کتاب را می‌خواند و از همان زمان متوجه می‌شود که می‌توان از آن سناریویی سینمایی استخراج کرد. ابتدا این کار را به زندیادان کامبوزیا پرتوی و بعد اصغر عبداللهی می‌سپرد که این کار توسط هیچ‌یک به اتمام نمی‌رسد و در نهایت آرش صادقی‌بیگی و دو فرزندش میلاد و محمدرضا این اقتباس را به پایان می‌رسانند. اما فیلمنامه‌ای که آنها نوشتند با چیزی که در کتاب آمده، تفاوت دارد و داستان هرچه جلوتر می‌رود، باعث نزدیکی بیشتر پدر و دختر و افشا شدن رازهایی تازه از زندگی خانوادگی آنها می‌شود. در واقع نویسندگان طوری این سناریو را پیش می‌برند که رابطه دو نفر از اعضای یک خانواده را مستحکم‌تر



گلویژ نادری

گروه سینما، تئاتر و تلویزیون

«زیا صدایم کن» را می‌توان یکی از بهترین فیلم‌های جشنواره سال گذشته دانست که حالا روی پرده است. در واقع این فیلم بازگشت رسول صدرعاملی به سینمای «من ترانه ۱۵ سال دارم» و «دختری با کفش‌های کتانی» است. اثری که مانند این دو فیلم، شخصیت اصلی‌اش یک دختر نوجوان با معرفی بازیگری تازه قرار می‌دهد اما گاهی این شخصیت اصلی میسان این دختر و پدرش جابه‌جا می‌شود. شاید هم بازی درخشان امین حیایی باعث این جابه‌جایی می‌شود و اقتدر حضور و بازی‌اش قوی و قابل توجه است که در بخش‌هایی در مرکزیت داستان قرار می‌گیرد.

صدرعاملی پس از ۷ سال دوباره به کارگردانی روی آورد. آن هم پس از تجربه‌های ناموفقی مانند «سال دوم دانشکده من»، «در انتظار معجزه» و «زندگی با چشمان بسته» که آثار قابل تاملی در کارنامه او به حساب نمی‌آمدند. اما او در این فاصله از سینما آتقدرها هم دور نبود. فیلم‌هایی را تهیه کرد که از آثاری که کارگردانی کرده بود، فیلم‌های بهتری بودند. «شنای پروانه» و «جنگل پرتقال» با تهیه‌کنندگی او از فیلم‌های خوب سینمای ایران به حساب می‌آیند که جزو آثار ماندگار سینمای ما به حساب می‌آیند. اما «زیا صدایم کن» نشان می‌دهد که فیلمسازان باید در همان عرصه‌ای فیلمسازی کنند که به آن تعلق خاطر دارند. صدرعاملی بهترین فیلم‌هایش را درباره جوانان و نوجوان ساخته و در سینمای ایران به یادگار گذاشته است. بازیگرانی که با این فیلم‌ها به سینما معرفی کرد، تبدیل به بهترین چهره‌های سینمایی شدند و این نشان می‌دهد، او دست به انتخاب‌های درستی در بازیگری می‌زند.

غوغای اسکارلت جوهانسون در کن النور کبیر تماشاگران را تحت تاثیر قرار داد و مورد تشویق قرار گرفت

انتقاد اسپسی از لیست سیاه هالیوود

کوبین اسپسی، بازیگر پرحاشیه آمریکایی که پس از تیره از اتهامات آزار جنسی تلاش دارد به سینما بازگردد، در جریان مراسمی خصوصی در کن فرانسه جایزه‌ای برای یک عمر دستاورد هنری دریافت کرد. با این حال، مسئولان جشنواره کن صراحتاً اعلام کردند که این مراسم هیچ ارتباطی با جشنواره ندارد و اسپسی به طور رسمی به کن دعوت نشده است.

اسپسی در جریان سخنرانی خود در یک مراسم خیریه که با هدف حمایت از حقوق زنان، حفاظت از کودکان و آموزش برگزار شد از آنچه «لیست سیاه هالیوود» خواند، انتقاد کرد. این بازیگر که پس از تیره از اتهامات آزار جنسی در سال ۲۰۲۳ تلاش دارد به حرفه‌اش بازگردد، در این مراسم جایزه‌ای برای یک عمر دستاورد هنری از بنیاد «جهانی بهتر» دریافت کرد.

اسپسی در سخنرانی خود گفت: «چه کسی فکر می‌کرد، تجلیل از کسی که در همه دادگاه‌هایی که قدم گذاشته، تیره شده، اقدامی شجاعانه تلقی شود؟»

او سپس به یاد کرک داگلاس، بازیگر بزرگ آمریکایی و حامی فیلمنامه‌نویس معروف دالتون ترامبو، اشاره کرد و گفت: «باید به یاد داشته باشیم که داگلاس زمانی تصمیم گرفت از دالتون ترامبو، نویسنده برنده دو اسکار که به دلیل فهرست سیاه از کار بیکار شده بود، حمایت کند. از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۶۰ ترامبو در لیست سیاه بود. یعنی اجازه نداشت در هالیوود به عنوان نویسنده کار کند. ما معنای لیست سیاه را می‌دانیم، درست است؟ به واکنش‌های منفی علیه داگلاس فکر کنیم، پس از تصمیم شجاعانه حمایت از همکارش، نویسنده‌ای که دو بار نامزد اسکار شده بود، در فهرست سیاه بود، می‌دانید یعنی چه؟ به مدت ۱۳ سال نمی‌توانست کار کند. حتی پس از آنکه به داگلاس هشدار دادند اگر ترامبو را به‌عنوان نویسنده «اسپارتاکوس» در سال ۱۹۶۰ استخدام کند او را حامی کمونیسم می‌دانند و شغل و اعتبارش از بین می‌رود اما کرک داگلاس این خطر را پذیرفت و گفت: برای ما بازیگران بهتر است که نقش قهرمان را روی پرده بازی کنیم. با اصرار می‌جنگیم و برای عدالت به پا می‌خیزیم. اما در زندگی واقعی، تصمیمات همیشه چندان روشن نیستند. در مواقعی باید پای اصول اخلاقی بایستد». اسپسی ادامه داد: «همه دالتون ترامبو و گروه دهنفره هالیوود را می‌شناسند اما گمان نمی‌کنم بسیاری از شما نام آن ۴۷۵ فعال دیگر صنعت سینما را شنیده باشید که زندگی‌شان با اتهامات دروغین نابود شد و آن‌ها هم به مدت طولانی از کار محروم شدند».

این بازیگر برنده اسکار سخنرانی‌اش را با خواندن بخشی از ترانه‌ای از دوستش، التون جان، به پایان برد و گفت: «من هنوز ایستاده‌ام».

اسپسی پیش‌تر نیز در گفت‌وگو با خبرنگاران گفته بود: «خیلی خوشحالم که برگشته‌ام. حس می‌کنم در محاصره عشق و محبت قرار دارم. در هفته گذشته از دوستان و همکاران زیادی شنیده‌ام که به خاطر دریافت این جایزه به من تبریک گفته‌اند».

اسکارلت جوهانسون، بازیگر سرشناس هالیوودی با نخستین فیلم بلند کارگردانی‌اش «النور کبیر» در جشنواره کن غوغا به پا کرد؛ فیلمی مستقل و انسانی که با بازی درخشان «جون اسکوتیب» در نقش اصلی، تماشاگران را چنان تحت تاثیر قرار داد که پس از پایان نمایش ۵ دقیقه ایستاده او را تشویق کردند.

اسکارلت جوهانسون، ستاره بی‌رقیب سینمای آمریکا، با نخستین تجربه کارگردانی‌اش «النور کبیر» (Eleanor the Great) در بخش «نگاهی دیگر» جشنواره فیلم کن ۲۰۲۵ تحسین منتقدان و مخاطبان را برانگیخت.

این فیلم که با حضور بازیگرانی همچون جون اسکوتیب، چوپیتل اجیوفور و ارین کلیمن ساخته شده پس از نمایش خود در سالن دیپوسی ۵ دقیقه تشویق ایستاده دریافت کرد.

جوهانسون که همراه با نماینده پرنفوذ خود، برایان لورد مدیرعامل GAA وارد فرش قرمز شد، هنگام معرفی فیلم گفت: «برای من، نمایش این فیلم در کن واقعاً تحقق یک رویاست».

او درباره فضای پشت صحنه تولید فیلم افزود: «وقتی فیلمی مستقل می‌سازی، هیچ‌کس به خاطر پول در پروژه نیست، تعجب نکنید. همه برای عشق به داستان و فیلمنامه آمدند. این فیلم درباره خیلی چیزهاست؛ درباره دوستی، سوگ، بخشش و به نظر، این‌ها همه مفاهیمی‌اند که این روزها بیش از همیشه بهشان نیاز داریم».

در «النور کبیر»، جون اسکوتیب نقش النور مورگنشتاین ۹۴ ساله را بازی می‌کند؛ زنی شوخ‌طبع و دردمساز که پس از یک فقدان بزرگ، قصه‌ای را آغاز می‌کند که زندگی‌اش را وارد مسیر پرخطری می‌کند.

پس از پایان فیلم، جوهانسون با درآغوش گرفتن صمیمانه جون اسکوتیب، احساسات حاضرین را برانگیخت. او بازی درخشان اسکوتیب را واقعاً الهام‌بخش توصیف کرد و ارین کلیمن را کشفی بزرگ نامید و افزود: «خیلی هیجان‌زده‌ام که دنیا او را می‌بیند». جوهانسون درحالی که تشویق‌ها همچنان ادامه داشت، گفت: «این فیلم برای من هم تاریخی است و هم بسیار به موقع. امیدوارم شما هم آن را با خودتان حمل کنید، همان‌طور که من همیشه النور را با خودم حمل می‌کنم».

او امسال با فیلم دیگری نیز در کن حضور دارد؛ فیلم «طرح فنیقی» به کارگردانی وس اندرسن که جمعی از بازیگران سرشناس در آن ایفای نقش کرده‌اند. جوهانسون پیش از این نیز سابقه حضور در کن را داشته؛ ازجمله با فیلم‌های «شهر سیاریکی» و دو اثر از وودی آلن: «ویکی کریستینا بارسلونا» (۲۰۰۸) و «نقطه حساس» (۲۰۰۵).

فیلم «النور کبیر» که توسط خود جوهانسون، جاناتان لیا، کینن فلین، کارا دورت و جسامین برگام تهیه شده، چهار شرکت فیلمسازی در تأمین مالی آن نقش داشته‌اند.



سخنرانی می‌کرد مگر در بعضی ایام ماه مبارک رمضان که در مسجد خود برای نمازگزاران و مستمعان، مطالب عالی اخلاقی و عرفانی را به زبان ساده می‌گفت... سالی يك بار هم در شب ۱۵ شعبان ساعتی برای مردم سخن می‌گفت. در آن شب پیر و جوان و کودک و زن و مرد و هر که در اردکان بود و می‌توانست، به مدرسه طلاب که آن را مدرسه کهنه می‌گفتند، می‌آمد. سخن خاتمی در این مجلس از سنخ سخن‌هایی که معمولاً در مجالس وعظ از منابر شنیده می‌شد، نبود. آقای خاتمی علاوه بر علم رسمی حوزه‌ها، اطلاعات عمومی وسیع داشت و با سیاست آشنا بود و به آنچه در سیاست می‌گذشت به مخصوص به مناسبات اجتماعی و زندگی مردم می‌اندیشید و مهم‌تر این‌که مرد صفا و معرفت بود و اثر تکلف، تصنع و تظاهر در گفتار و رفتارش دیده نمی‌شد.»

دکتر داوری در گفت‌وگو با شماره ۳۱ مجله «مهرنامه» درباره سیدمحمد خاتمی هم گفته بود: «من همواره جناب آقای خاتمی را مثل پدر بزرگوارشان بسیار عزیز داشته‌ام و ایشان را از ذخایر و نوادر می‌دانم. مع‌هذا وقتی که به ریاست جمهوری رسیدند، نامه‌ای برایشان نوشتم و در آن تقدم توسعه سیاسی را قابل تأمل دانستم. آن نامه چاپ شده است. آقای خاتمی در دفاع از عدالت و آزادی، زبان و دلش از هم جدا نیست و چیزی می‌گوید که به آن معتقد است. وقتی آن نزاع پیچیده کذایی در کیهان فرهنگی شروع شد، ایشان مدیرمسئول کیهان بودند. وقتی باخیر شدند، مدیران کیهان فرهنگی پاسخ مرا چاپ نمی‌کنند، نامه‌ای نوشتند که لحن سخن ولتر در دفاع از آزادی و عدالت داشت.»

خود من هم متأسفانه زمانی در این فضا سیر می‌کردم. شاید در هر شرایطی افراد کارهایی انجام بدهند. اگر از من پرسیده شود که آیا راضی به کارهایی بوده‌اید که در طول زندگی‌تان انجام داده‌اید؟ پاسخ خواهم گفت: از این‌که به فلسفه پرداخته‌ام بسیار راضی بوده‌ام اما این بحث را نمی‌پسندم. بنابراین نمی‌توانم از این خوشحال باشم که وارد این نزاع‌ها و بحث‌ها شده‌ام.»

داوری و خاتمی‌ها

همان‌طور که ابتدا اشاره شد، سیدمحمد خاتمی و رضا داوری هم‌شهری هستند. داوری مرداد ۱۳۸۹ در وبسایت خود خاطراتی از دوران جوانی خود و آشنایی با مرحوم آیت‌الله سیدروح‌الله خاتمی (پدر سیدمحمد خاتمی) در اردکان را منتشر کرد که در بخشی از آن آمده: «یکی از بخت‌های خوش من هم عصری با حضرت آیت‌الله حاج سیدروح‌الله خاتمی و ارادت دیرپا به معظم‌له و برخورداری از محبت و لطف و سال‌ها مصاحبت با ایشان بوده است. حدود ۱۰ سال پیش که به من تکلیف کردند شرحی از زندگی خود بگویم، گفتم چه کسانی و چگونه مرا در جوانی راهنمایی و دستگیری کرده‌اند و اشاره کردم که بنا بر ملاحظه‌ای نام کسانی را نمی‌برم. اکنون می‌گویم یکی از آن نام‌های شریف نام حضرت آیت‌الله آقا سیدروح‌الله خاتمی بود. شاید اگر آن روز این نام را می‌آوردم، درست فهمیده نمی‌شد ولی اکنون آن محظورها در میان نیست. من هم به آخر راه زندگی رسیده‌ام و نباید چندان در بند ملاحظات باشم. آقای خاتمی در اردکان مدرسه و مسجد و محراب داشت اما در مجالس عمومی کمتر



هم نشان‌دهنده انتخاب درست صدرعاملی است و هم توانایی و ظرفیت رضاعی در بازیگری.

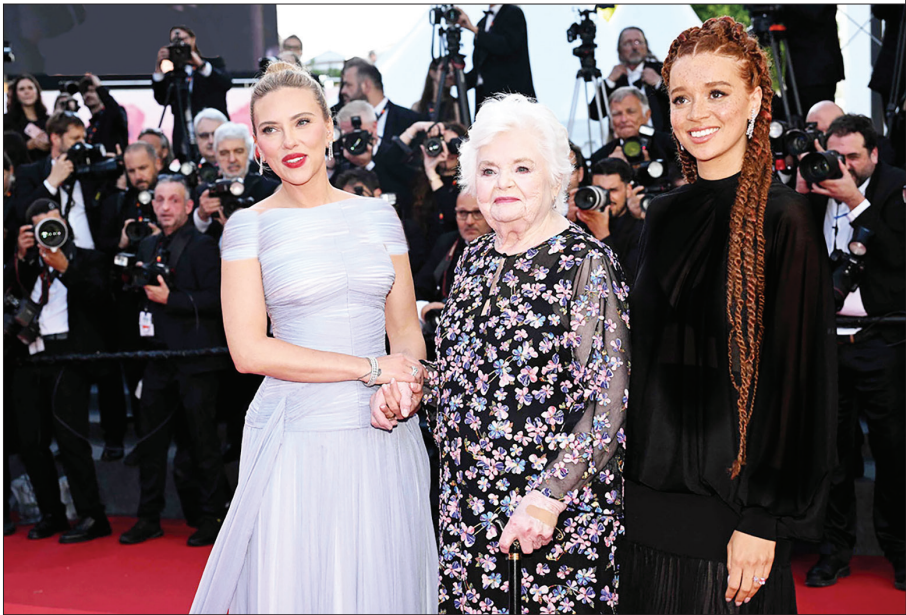
شخصیت‌های فرعی مانند برادر خسرو با بازی مهران غفوریان هم خوب از آب درآمده و غفوریان که در این سال‌ها توانایی خود در ایفای نقش‌های جدی را به رخ کشیده، نقش برادری که حق برادرش را خورده و در عذاب همیشگی به سر می‌برد و مدام استرس دارد و خواب‌های آشفته می‌بیند، تمام و کمال بازی می‌کند. صدرعاملی به همراه نویسندگانش از روان‌پریشی شخصیت خسرو بهترین بهره را می‌برد و رفتارهای هیجانی‌اش مانند دعوا با کارفرمای دخترش، نشستن پشت فرمان ون گشت ارشاد، دزدیدن موتور پیک یا بالا رفتن از تاورکین توجیه‌پذیر از کار درآمده است. طوری که تماشاگر از اینگونه رفتارها متعجب نمی‌شود و آنها را باور می‌کند. حتی نگه داشتن سرویس طلا هم در طول این سال‌ها برای هدیه دادن به فرزندش قابل درک است. چراکه او پدری است که زیر فشارهای زندگی آسیب‌دیده نه اینکه عقل و منطق خود را از دست داده باشد. پدری که برای برگزاری تولد دخترش پس از سال‌ها خود را به هر دری می‌زند، طبیعی است که برای او هدیه‌ای بزرگ به یادگار نگه داشته باشد.

«زیبا صدایم کن» از آن دسته از فیلم‌هایی است که تماشایش پس از سال‌ها حال خوب به تماشاگرش هدیه می‌دهد و او را سرشار از لذت از تماشای یک داستان خانوادگی زیبا می‌کند که با وجود از هم‌پاشیدگی اعضای خانواده در این روزگار سخت، می‌خواهند دوباره از کنار هم بودن آن هم فقط از یک صبح تا شب لذت ببرند.

کنند و در پایان مادر و دختری که سال‌ها از هم دوری می‌کردند را موفق به دیدار یکدیگر کنند. در واقع همه چیز برای کامل شدن دوباره یک خانواده کنار هم چیده می‌شود. یک داستان خانوادگی تمام‌عیار که با اوضاع پیچیده دنیای امروز و تسلط فشارهای اقتصادی، اجتماعی و روانی بر این نهاد نوشته و کامل می‌شود. چیزی که در سال‌های اخیر در سینمای ایران بی‌سابقه است. چراکه صدرعاملی به همراه دیگر نویسندگان برخلاف بسیاری از فیلمسازان می‌خواهند، نشان دهند در این جامعه افسرده و زخم‌خورده هم می‌توان احساس خوشبختی کرد و این احساس تنها در داشتن زندگی مرفه خلاصه نمی‌شود. خوشبختی شاید گاز زدن ساندویچ ارزان قیمت و همراهی پدر و دختری باشد که پس از سال‌ها برای جشن گرفتن تولد دختر به هم رسیدند.

امین حیایی در فیلم چنان بازی درخشان و بی‌نظیری از خود ارائه می‌دهد که تماشاگر را در بهت و حیرت فرو می‌برد. بخشی از بازی او در تیزرهای این فیلم که این شب‌ها از تلویزیون پخش شده به نمایش گذاشته می‌شود. او نقش مردی آسیب‌دیده و تا حدی روان‌پریش را آنقدر خوب به نمایش می‌گذارد که تماشاگر نمی‌تواند او را باور نکند. این بازی درست و بجا حتی در فیزیک او هم به نمایش درمی‌آید. راه رفتن، حرکات گردن و دست و شانه‌ها آنقدر با نقش هماهنگی دارد که تا سال‌ها این شخصیت را در ذهن تماشاگر ماندگار می‌کند.

نقش زیبا پیچیدگی‌ها شخصیت ترانه را ندارد اما ژولیت رضاعی آن را روان و بی‌تکلف بازی کرده و حضورش آنقدر بجاست که





سال هشتم شماره ۱۹۷۵
پنج‌شنبه اول خرداد ۱۴۰۴

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

اقتصاد: یک موضوع

خطر جمعیتی

چه رابطه‌ای میان فرزندآوری و وضعیت اقتصادی خانواده‌ها وجود دارد؟

سعید خوش‌بین

گروه اقتصاد

وزیر کشور نسبت به پیر شدن جمعیت ایران ابراز نگرانی کرده و گفته: «اگر با همین آهنگ جلو برویم شاید در سال ۱۴۸۰ جمعیت کشور به حدود نصف جمعیت فعلی برسد».

اسکندر مومنی در همایش معاونین و مدیران کل امور اجتماعی استانداری‌ها با اشاره برخی استدلال‌ها در باره رابطه وضعیت اقتصادی و انگیزه فرزندآوری خانواده‌ها گفته: «این‌که می‌گویند مشکل اصلی جمعیت اقتصادی است و اگر وضعیت اقتصادی خوب شود فرزندآوری بیشتر می‌شود؛ قطعاً این هم هست ولی هستند خیلی‌ها که مشکل اقتصادی ندارند ولی فرزندآوری کمتر شده چرا؟ چون تبدیل به یک سبک زندگی شده یعنی مشکل اقتصادی وجود ندارد، شغل هست و مشکل اقتصادی هم نیست ولی فرزندآوری کمتر است».

به عقیده اقتصاددانان، رابطه میان فرزندآوری و وضعیت اقتصادی خانواده‌ها موضوعی پیچیده و چندوجهی است که تحت تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی قرار دارد. از منظر اقتصادی، وضعیت مالی خانواده‌ها یکی از عوامل کلیدی در تصمیم‌گیری برای فرزندآوری است. هزینه‌های مرتبط با تربیت فرزند، از جمله مسکن، آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و تغذیه، می‌تواند مانعی برای خانواده‌هایی باشد که با محدودیت‌های مالی مواجه‌اند. مطالعات نشان می‌دهند که در کشورهای در حال توسعه، ازجمله ایران، خانواده‌هایی با درآمد پایین‌تر اغلب به دلیل نگرانی‌های مالی، تمایل کمتری به داشتن فرزندان بیشتر دارند. این موضوع به‌ویژه در شرایط تورم بالا، بیکاری و ناامنی اقتصادی تشدید می‌شود. با این حال، همانطور که وزیر کشور اشاره کرده، عوامل اقتصادی تنها بخشی از مساله هستند و نمی‌توانند به‌تنهایی کاهش نرخ فرزندآوری را توضیح دهند.

عوامل غیراقتصادی نیز نقش مهمی در این روند دارند. تغییر در سبک زندگی، به‌ویژه در میان نسل‌های جدید، یکی از دلایل اصلی کاهش فرزندآوری است. گرایش به فردگرایی، اولویت‌دادن به پیشرفت شغلی، تحصیلات عالی و زندگی شهری مدرن، باعث شده است که بسیاری از زوج‌ها، حتی در صورت برخوردراری از ثبات مالی، ترجیح دهند فرزندان کمتری داشته باشند یا حتی از فرزندآوری صرف‌نظر کنند. این تغییر نگرش به فرزندآوری به‌عنوان یک انتخاب سبک زندگی، به‌ویژه در شهرهای بزرگ ایران، مشهود است. همچنین افزایش آگاهی زنان از حقوق خود و دسترسی به فرصت‌های آموزشی و شغلی، منجر به تأخیر در ازدواج و کاهش تعداد فرزندان شده است.

علاوه بر این، عوامل فرهنگی و اجتماعی مانند کاهش ارزش‌های سنتی مرتبط با خانواده‌های پرجمعیت، نگرانی از آینده فرزندان در شرایط اجتماعی و سیاسی ناپایدار، و دسترسی به روش‌های پیشگیری از بارداری نیز در کاهش نرخ زادوولد موثر بوده‌اند. اظهارات وزیر کشور مبنی بر اینکه برخی خانواده‌های مرفه نیز تمایلی به فرزندآوری ندارند، نشان‌دهنده تأثیر این عوامل غیراقتصادی است. در واقع، حتی در خانواده‌هایی که مشکلات اقتصادی ندارند، تغییر در اولویت‌ها و ارزش‌ها، مانند تمرکز بر کیفیت زندگی یا ترجیح برای داشتن خانواده‌های کوچک‌تر، به کاهش فرزندآوری منجر شده است.

رابطه میان فرزندآوری و وضعیت اقتصادی خانواده‌ها غیرقابل‌انکار است اما این رابطه تنها بخشی از معادله است. بهبود شرایط اقتصادی می‌تواند موانع مالی را کاهش دهد اما بدون توجه به عوامل فرهنگی، اجتماعی و تغییر سبک زندگی، نمی‌توان انتظار افزایش چشمگیر نرخ زادوولد را داشت. برای مقابله با پیری جمعیت، نیاز به رویکردی جامع است که شامل سیاست‌های اقتصادی، آموزش عمومی و ترویج ارزش‌های خانواده‌محور باشد.

قانون ۹۹۶

کارگران چینی چگونه ناراضی شدند؟

مهتا معرفت

مترجم

چین هر پنج سال یک‌بار صدها نفر را به‌عنوان کارگر برگزیده کشور معرفی می‌کند. در ۲۸ آوریل، گروهی از این کارگران در سالن بزرگ خلق پکن گرد هم آمدند و شی جین پینگ، رهبر چین، از آنها خواست که «تلاش، تلاش و باز هم تلاش کنند». او به‌صراحت از تعرفه‌های دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، سخنی نگفت، اما با بهره‌گیری از شعار قدیمی حزب کمونیست، پیامی روشن داشت: در برابر فشارهای خارجی، به‌ویژه جنگ تجاری که میلیون‌ها شغل را در چین تهدید می‌کند، باید با سخت‌کوشی و سرزنش آمریکا مقاومت کرد.

اما این پیام در میان کارگران با تردیدهایی روبه‌رو شده است. بسیاری از آنها می‌پرسند این «سخت‌کوشی» تا کجا باید ادامه یابد. شعار مناقشه‌برانگیز «۹۹۶» (کار از ۹ صبح تا ۹ شب، شش روز در هفته) موجی از نارضایتی به راه انداخته و در فضای آنلاین به جنبشی به نام «دراز کشیدن» منجر شده است، جایی که کارگران از فشار بی‌پایان و احساس بی‌ثربودن تلاش‌هایشان گلایه دارند. برای برخی، حتی بیرون آمدن از تخت‌خواب به تنها «کار سخت» روزانه بدل شده است.

مقامات چین تلاش کرده‌اند با این خستگی و فرسودگی همدلی نشان دهند. در اجلاس حزب در جولای گذشته، رویکردهای تجاری که به اضطراب و احساس پوچی دامن می‌زنند، محکوم شدند. بسیاری از شرکت‌های بزرگ نیز اصلاحاتی را برای کاهش ساعات کاری اعمال کردند. با این حال، رسانه‌های دولتی همچنان داستان‌هایی از فداکاری و سخت‌کوشی را ترویج می‌کنند. نمونه‌اش داستان جیلین، بنایی که پس از ۹ سال کار طاقت‌فرسا، دو میلیون یوان (۲۷۵ هزار دلار) پس‌انداز کرد و خانه‌ای دوطبقه در روستایی در سیچوان ساخت. این داستان از اواسط آوریل در ویوو با هشتک‌های مرتبط و ده‌ها میلیون بازدید و هزاران نظر همراه شد.

اما واکنش‌ها یکدست نبود. برخی کاربران تعرفه‌های تجاری آمریکا را محکوم کردند، درحالی‌که دیگران داستان جیلین را به سخره گرفتند و آن را تبلیغی برای فرهنگ کار بی‌وقفه دانستند. کاربری نوشت: «از رنج دیگران داستان قهرمانی نسازید؛ آنها برای الهام‌بخشی به شما زجر نمی‌کشند، بلکه چاره‌ای ندارند.» دیگری پرسید: «آیا می‌دانید او در آینده چه صورتحساب‌های هنگفتی برای بیمارستان باید بپردازد؟» کاربر سومی داستان را «ساختگی» خواند که برای «باشکوه جلوه دادن کار تا سرحد مرگ» طراحی شده است. جیلین در پاسخی فروتانه گفت که از کم‌سودای خود پشیمان است. شی جین پینگ به کارگران نگفت که باید مانند جیلین به اجر چینی روی آورند. او در سخنرانی‌اش تأکید کرد که چین به افراد دانشمند، ماهر و نوآور نیاز دارد. با این

بازار سهام

دو نیمه سیب

چرا بازار سهام نیمه دوم هفته را لباس قرمز پوشید؟



نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

بازار سرمایه در آخرین روز از اردیبهشت ماه ۱۴۰۴، ریزش ۵۸ هزارواحدی را تجربه کرد و شاخص کل بورس نزدیک به ۲درصد افت داشت؛ همچنین شاخص کل و هم‌وزن فرابورس هم قرمزپوش ماندند. در ۹۰ دقیقه نخست بازار دیروز، نیز نقدینگی از صندوق‌های با درآمد ثابت و کالایی خارج شد. همچنین به میزان زیادی پول حقیقی از تالار شیشه‌ای خارج شد. در این بین ۲۳ درصد نمادها منفی بودند و ۷۷ درصد دیگر مثبت معامله شدند؛ به عبارتی ۲۰۲ نماد مثبت و ۶۶۸ نماد دیگر در محدوده منفی ماندند. در بازار دیروز شاهد خروج نقدینگی از تالار شیشه‌ای و صندوق کالایی بودیم ولی پول حقیقی وارد صندوق با درآمد ثابت شده است. در نهایت باید گفت ارزش صف‌های فروش نسبت به معاملات

حال، همچنان به گفتمان سنتی سخت‌کوشی و اتحاد تکیه می‌کند و می‌گوید: «روحیه تلاش بی‌وقفه چینی‌ها هرگز تغییر نخواهد کرد.» او درحالی‌که با چالش‌های خارجی، ازجمله تنش‌های تجاری با آمریکا، مقابله می‌کند، باید با موج فزاینده بدبینی در داخل کشور نیز مبارزه کند. این بدبینی، که در واکنش‌های آنلاین به داستان‌هایی مانند جیلین نمایان است، نشان می‌دهد که ترویج فرهنگ سخت‌کوشی دیگر به‌سادگی گذشته اثرگذار نیست. شی برای حفظ انگیزه در نیروی کار و پیشبرد اهداف ملی، باید تعادلی بین تشویق به نوآوری و پاسخ به نیازهای نسل جدید کارگرانی که خواستار زندگی متعادل‌تری هستند، پیدا کند. فرهنگ کاری «۹۹۶» در چین به الگوی کاری اشاره دارد که در آن کارکنان از ساعت ۹ صبح تا ۹ شب، شش روز در هفته کار می‌کنند، یعنی ۷۲ ساعت کار در هفته. این مفهوم ابتدا در میان شرکت‌های فناوری و استارت‌آپ‌های چینی، به‌ویژه در دهه ۲۰۱۰، رواج یافت و به نمادی از فشار بی‌امان برای بهره‌وری و رقابت در اقتصاد پرشتاب چین بدل شد. جک ما، بنیانگذار علی‌بابا، در سال ۲۰۱۹ از این الگو دفاع کرد و آن را «نعمتی» برای کارگران جوانی دانست که می‌خواهند در زندگی موفق شوند، هرچند این اظهارات با انتقاد گسترده روبه‌رو شد. این فرهنگ به‌ویژه در صنایع فناوری، جایی که رقابت برای نوآوری و سهم بازار شدید است، رایج شد. شرکت‌هایی مانند هواوی، بایت‌دنس (مالک تیک‌تاک) و تسنت ازجمله نام‌هایی بودند که به‌طور غیررسمی یا حتی رسمی این ساعات کاری را ترویج می‌کردند. کارگران اغلب تحت فشار بودند تا برای حفظ شغل یا پیشرفت، این برنامه طاقت‌فرسا را بپذیرند، حتی اگر به معنای قربانی کردن زندگی شخصی، سلامت روان و جسم، و وقت با خانواده باشد.

واکنش‌ها و انتقادات

۹۹۶ با موجی از نارضایتی در میان کارگران، به‌ویژه نسل جوان، مواجه شد. در سال ۲۰۱۹ پروژهای به نام «۹۹۶.ICU» در گیت‌هاب راه‌اندازی شد که فهرستی از شرکت‌های مروج این فرهنگ را منتشر کرد و هشدار داد که چنین ساعات کاری می‌تواند کارگران را راهی «بخش مراقبت‌های ویژه» (ICU) کند. این حرکت آنلاین به سرعت فراگیر شد و به نمادی از مقاومت در برابر بهره‌کشی در محیط کار تبدیل شد. کاربران در پلتفرم‌هایی مانند ویوو و وی‌چت از اضطراب، فرسودگی، و نبود تعادل بین کار و زندگی شکایت کردند. کارگران جوان‌تر، که اغلب به‌عنوان نسل «پس از ۹۰» شناخته می‌شوند، شروع به زیر سؤال بردن ارزش این فرهنگ کردند. آنها استدلال می‌کردند که سخت‌کوشی بی‌وقفه نهایتاً به موفقیت شخصی منجر نمی‌شود، بلکه به نفع شرکت‌ها و اقتصاد کلان است، درحالی‌که کارگران با مشکلات سلامتی، روابط متزلزل، و حس پوچی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. این نارضایتی به جنبش «دراز کشیدن» (tangping یا lying flat) دامن زد، که در آن برخی از جوانان چینی عمداً از جاه‌طلبی‌های شغلی و فشارهای اجتماعی برای موفقیت کنار کشیدند و سبک زندگی مینیمالیستی را برگزیدند. دولت چین در واکنش به این انتقادات وارد عمل شد. در سال ۲۰۲۱، دیوان عالی چین و وزارت کار این کشور اعلام کردند که فرهنگ ۹۹۶ غیرقانونی است، زیرا قوانین کار چین حداکثر ۴۴ ساعت کار در هفته را مجاز می‌دانند، مگر در شرایط خاص با پرداخت اضافه‌کاری. چندین شرکت فناوری، ازجمله بایت‌دنس و تسنت، در پی فشارهای عمومی و قانونی، سیاست‌های خود را اصلاح کردند. برای مثال، برخی شرکت‌ها ساعات کاری را کاهش دادند یا برنامه‌های انعطاف‌پذیرتری معرفی کردند، مانند «۹۹۵» (۹ صبح تا ۹ شب، پنج روز در هفته).

منبع: بلومبرگ و اکونومیست

همه شاخص‌ها را به نظاره نشست. در روز جاری فروشندگان بر قدرت ظاهر شدند و به دنبال فشار فروش ایجاد شده دماسنج اصلی تالار شیشه‌ای در انتهای معاملات روز چهارشنبه با کاهش ۸۶/۱درصد (معادل ۵۸هزار واحد) به کف کانال ۳/۱میلیون واحد رسید.

نمادهای کوچک‌تر بازار شدت کمتری افت تجربه کردند و شاخص هم‌وزن در انتهای معاملات روز چهارشنبه با کاهش ۹۶/۰درصد کار خود را در سطح ۹۵۴هزار واحد به انتها رساند. ارزش معاملات خرد بازار سهام نیز به سطح ۱۲هزار و ۲۴۷میلیارد تومان رسید. در جریان معاملات دیروز ۲هزار و ۲۵۵میلیارد تومان پول توسط حقیقی‌ها از گردونه معاملات بازار سهام خارج شد. در این بین ۸۰درصد نمادها منفی معامله شدند و تنها ۲۰ درصد مابقی مثبت بودند. همچنین نمادهای فارس، فولاد و فولمی که جزو شاخص‌سازان بودند، بیشترین تأثیر منفی را بر روند شاخص کل بورس داشتند؛ اما در مقابل مبین، پاکشو و آومینا روند مثبتی را تجربه کردند.



شد که سفارت آذربایجان پس از حدود یک سال تعطیلی، قرار است مجدداً در تهران گشایش یابد. رسانه‌های رسمی گزارش دادند که این سفارت «پس از بیش از یک سال مذاکره بین دو کشور» در نشانی جدید بازگشایی شد. چنانکه تا آن زمان در عمل تنها سرکنسولگری آذربایجان در تبریز باقی ماند و سفارت تهران تا زمان بازگشایی تعطیل بود. بازگشت سفارت در تیر ۱۴۰۳ گامی مهم در کاهش تنش‌ها تلقی شد. در همین حال ایران و آذربایجان با وجود اختلاف در مسائلی مانند روابط با اسرائیل و مسائل مرزی در حوزه‌های انرژی و حمل‌ونقل نیز همکاری‌هایی ازجمله در انتقال گاز و نفت داشتند.

اجرای حکم اعدام

صبح ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ قوه قضائیه در اطلاعیه‌ای رسمی اعلام کرد، حکم «قصاص نفس» متهم حمله به سفارت آذربایجان اجرا شده است. خبرگزاری میزان و سایر رسانه‌ها این خبر را منتشر کردند. براساس گزارش‌های رسمی، این زندانی صبح چهارشنبه در یکی از زندان‌های تهران /البرز اعدام شد. رسانه‌ها به توضیح مجدد انگیزه قتل پرداختند و تأکید کردند، وی «به اشتباه تصور می‌کرد همسرش که اصالتاً اهل باکو بود، در سفارت حضور دارد».

حادثه

چاقوکشی خونین

سه دانشجو دانشگاه آزاد ارومیه مجروح شدند

در پی وقوع یک درگیری شدید میان دو گروه از دانشجویان دانشگاه آزاد ارومیه، سه نفر بر اثر استفاده از سلاح سرد مجروح و روانه بیمارستان شدند. این حادثه عصر روز گذشته در محوطه دانشگاه به وقوع پیوست و به گفته منابع آگاه، ریشه آن در اختلافات شخصی و تنش‌هایی در فضای مجازی میان طرفین درگیری بوده است.

گزارش‌ها حاکی از آن است که درگیری از مشاجره لفظی آغاز و به سرعت به نزاع فیزیکی و استفاده از چاقو کشیده شد. سه تن از دانشجویان که دچار جراحات سطحی و عمیق شده‌اند، بلافاصله توسط عوامل اورژانس به مراکز درمانی منتقل شده و تحت مراقبت پزشکی قرار گرفته‌اند.

براساس اعلام حراست دانشگاه، بلافاصله پس از آغاز درگیری، نیروهای انتظامات وارد عمل شده و صحنه را مدیریت کردند تا از گسترش درگیری جلوگیری شود. پس از مهار حادثه، کمیته انضباطی دانشگاه وارد رسیدگی به ابعاد داخلی پرونده شده و همزمان گزارش کامل به مراجع قضایی ارسال شده است. مسئولان دانشگاه تأکید کرده‌اند که با عوامل اصلی این درگیری برخورد قاطع انضباطی و قانونی صورت خواهد گرفت.

یکی از مسئولان دانشگاه در گفت‌وگو با رسانه‌ها، با ابراز تأسف نسبت به وقوع این اتفاقی ناگوار، اعلام کرد: «حادثه اخیر، نتیجه کل‌کل‌ها و تحریک‌های فضای مجازی است که متأسفانه از دایره کنترل خارج شد و به خشونت فیزیکی کشیده شد». او افزود که دانشگاه درحال پیگیری وضعیت سلامتی مصدومان است و تدابیر امنیتی جدیدی برای پیشگیری از تکرار چنین رخدادهایی در دست بررسی است.

رئیس دانشگاه آزاد ارومیه نیز با صدور بیانیه‌ای بر لزوم حفظ آرامش و احترام در فضای دانشگاهی تأکید کرد و از همه دانشجویان خواست ضمن رعایت قوانین و حرمت محیط آموزشی از هر گونه تنش و درگیری پرهیز کنند. وی همچنین از برنامه‌ریزی برای برگزاری جلسات مشاوره و آموزش مهارت‌های حل مساله و کنترل خشم برای دانشجویان خبر داد.

هرچند فضای عمومی دانشگاه پس از حادثه به حالت عادی بازگشته اما نگرانی‌هایی درخصوص امنیت دانشجویان مطرح شده که نیازمند پاسخ روشن و اقدامات پیشگیرانه از سوی مسئولان دانشگاه و نهادهای انتظامی است.

و در بسیاری موارد حادتر کردن وضعیت زن خواهد بود. نخست اینکه مهریه را «حق مسلم زن» تلقی می‌کنند و ابراز می‌دارند، تعیین سقف مشخص خلاف روح توافق زوجین است. از دید آنان حذف ضمانت کیفری مهریه– به ویژه بدون وجود مکانیسم حمایتی جایگزین– زنان را در معرض آسیب شدیدتری قرار می‌دهد. یک حقوقدان می‌نویسد، کاهش مهریه ۱۴ سکه «حقوق زنان را تضعیف می‌کند و مهریه را از یک پشتوانه مالی قابل اتکا به هدیه‌ای سمبلیک تقلیل می‌دهد که وصول آن به دارایی مرد وابسته است». منتقدان طرح همچنین به مشکلات ساختاری و شرعی طرح اشاره می‌کنند: مهریه از نظر اسلام یک حق است (بر پایه رضایت و تراضی) و «قابل حذف نیست». آنها تأکید می‌کنند اگر هدف حمایت از خانواده است، اصلاح جزئی مهریه کافی نیست و باید نابرابری‌های دیگر (مانند حق طلاق، حضانت یا سهم‌الارث) نیز همزمان بازنگری شوند. بر این اساس، برخی کارشناسان پیشنهاد می‌دهند به جای تقلیل مهریه، راهکارهای جایگزین مثل «بیمه مهریه» یا اعطای حقوق حقوقی و اقتصادی دیگر به زنان (حق طلاق یا اعطای سهم‌بری از دارایی مرد) مطرح شود تا تعادل حقوق زناشویی برقرار شود. به تعبیر منتقدان، تجربه سه دهه اجرای سقف ۱۱۰سکه نشان داده که تغییرات عددی صرف، بدون اصلاحات کلان حقوقی، نتایج معکوس به همراه خواهد داشت.

در نهایت دو دیدگاه موازی درحال رقابت است: موافقان طرح، کاهش زندانیان ناشی از مطالبه مهریه و جبران نوسانات اقتصادی را اولویت می‌دانند؛ در مقابل، مدافعان حقوق زنان هشدار می‌دهند که این اقدام با آسیب‌پذیری و کاهش قدرت چانه‌زنی زنان در خانواده همراه خواهد بود. بسیاری از صاحب‌نظران بر لزوم نگاهی چندجانبه تأکید می‌کنند. همان‌گونه که بهروزآذر نیز اشاره کرده، «مهریه یک تکه از پازل حقوقی و اقتصادی خانواده است و نمی‌توان یک تکه از پازل را تغییر داد و سایر اجزا دست‌نخورده باقی بماند». از این‌رو، کارشناسان توصیه می‌کنند به جای اصلاح یک‌طرفه، کلیه ابعاد حقوق مالی ازدواج (از بیمه‌های حمایتی گرفته تا توازن در حقوق طلاق و حضانت) به طور هماهنگ مورد بازنگری قرار گیرد تا هم از حقوق زنان حمایت شود و هم هدف کاهش هزینه‌های حقوقی زندگی مشترک تأمین شود. در هر حال، تا زمان تصویب نهایی طرح مجلس– که به گفته دولت هنوز در مرحله بررسی است– دیالوگ بین حقوقدانان، نمایندگان و فعالان اجتماعی نقش مهمی در تعیین مسیر نهایی اصلاح خواهد داشت.

جزئیات طرح مجلس و موضع موافقان
طبق محتوای طرح جدید مجلس، اصلاح ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده در دستور کار است به طوری که سقف ضمانت اجرای کیفری مهریه از ۱۱۰سکه به ۱۴سکه کاهش یابد. به بیان دیگر از این پس فقط ۱۴سکه از مهریه بلافاصله «عندالمطالبه» قابل اجرا خواهد بود و مابقی مهریه صرفاً در صورت وجود دارایی کافی نزد زوج، قابل وصول خواهد بود. محمدحسین محمدی، عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس، اعلام کرده است به‌رغم مخالف خواندن دولت، پیگیر این اصلاح هستند تا با توجه به «شرایط اقتصادی کنونی و نوسانات شدید نرخ سکه و طلا» اقدامات قضایی هماهنگ شود. موافقان طرح ضمن اشاره به آمار بالای زندانیان مهریه (به گزارش خبرگزاری‌ها، هزاران مرد در اثر عدم توانایی در پرداخت مهریه در زندان به سر می‌برند) چند استدلال اصلی را مطرح می‌کنند: کاهش جمعیت زندانیان مهریه: طراحان طرح می‌گویند، هدف اصلی کاهش تعداد افراد زندانی است. این نمایندگان و کارشناسان معتقدند اجرای ضمانت کیفری فقط برای ۱۴سکه، بخشی از بار حقوقی دادگستری در این حوزه را کم می‌کند و مانع سوءاستفاده‌های احتمالی از ابزار کیفری می‌شود. کنترل مهریه‌های نامتعارف: موافقان با اشاره به جهش قیمت سکه و افزایش مهریه‌های سنگین، مطرح می‌کنند مهریه‌های خیلی بالا بهانه‌ای برای اختلافات خانوادگی شده است. به گفته یکی از نمایندگان کمیسیون اجتماعی مجلس «با توجه به قیمت بالای سکه و شرایط اقتصادی، مهریه‌های بالا بهانه‌ای برای بر هم زدن بنیان خانواده‌ها شده و برخی بانوان با کوچک‌ترین اختلاف، مهریه خود را اجرا می‌گذارند». به این ترتیب تعیین سقف ۱۴سکه را گامی در راستای کنترل «مهریه‌های نجومی» توصیف می‌کنند. به‌روزرسانی قانون با واقعیت اقتصادی: برخی نمایندگان طرح را متناسب با تغییر شرایط اقتصادی می‌دانند و معتقدند تعیین ۱۴سکه به‌عنوان «سقف مطالبه» منطقی است، چراکه حتی این میزان هم برای بسیاری سنگین است. محمدحسین محمدی می‌گوید: این رقم «آنچه می‌توانیم به اجرا بگذاریم» را مشخص می‌کند و بقیه مهریه «تنها زمانی قابل وصول است که توان مالی وجود داشته باشد». به اعتقاد حامیان، این تغییر باعث کاهش مراجعه‌های بی‌حساب‌و‌کتاب به دادگاه می‌شود و از طرفی زوجین را به توافق بر سر مهریه ترغیب خواهد کرد.

دیدگاه‌های منتقدان طرح

در مقابل، مدافعان حقوق زنان و برخی حقوقدانان هشدار می‌دهند این اصلاحات جزئی، مشکل را حل نخواهد کرد

پایان اختلاف

حکم اعدام عامل حمله مسلحانه به سفارت آذربایجان

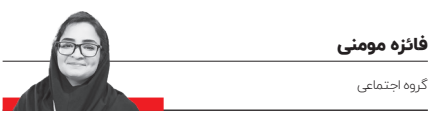
گروه اجتماعی: هفتم بهمن ۱۴۰۱ فردی مسلح با سلاح

کلاشینکف وارد ساختمان سفارت جمهوری آذربایجان در تهران شد. او ضمن تیراندازی به سمت نگهبانان، «اورخان اصغوف»، رئیس گروه حفاظت سفارت را کشت و دو نفر دیگر را زخمی کرد. این حمله بلافاصله واکنش شدید باکو را به دنبال داشت؛ رئیس‌جمهور آذربایجان، الهام علی‌اف، آن را «حمله تروریستی سازمان‌یافته» خواند و خواستار تحقیقات فوری شد. وزارت خارجه آذربایجان نیز ایران را در این حمله مسئول دانست. مقامات کشورمان اما از همان ابتدا «انگیزه شخصی» برای این اقدام ذکر کردند و اعلام شد، مهاجم در دادگاه گت تصور می‌کرده همسرش (که اهل باکو بود) در سفارت حضور دارد و از دیدارش خودداری می‌کند. به گفته قوه قضائیه، او با «سلاح کلاشنیکفی که از قبل تهیه کرده بود» به سفارت مراجعه کرده بود. بررسی‌های بعدی نشان داد همسر این فرد در واقع به آذربایجان بازگشته بود. روند قضایی و اقدامات پلیس، متهم را به جرم «قتل عمد یک تبعه آذربایجان با استفاده از سلاح گرم در داخل سفارت» همچنین «خرید، حمل و نگهداری سلاح و مهمات غیرمجاز» مجرم شناخت و تقاضای قصاص نفس او را مطرح کرد. براساس گزارش پایگاه خبری میزان (وابسته

در جامعه چه خبر است؟

اختلاف سکه‌ای

مخالفت دولت با طرح کاهش سقف مهریه از ۱۱۰ به ۱۴ سکه



فائزة مومنی

گروه اجتماعی

در چند روز اخیر، طرح پیشنهادی مجلس شورای اسلامی برای کاهش سقف ضمانت اجرای کیفری مهریه (برابر با ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱) از ۱۱۰سکه به ۱۴سکه به بحث داغ رسانه‌ها و محافل حقوقی بدل شده است. زهرا بهروزآذر، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده، روز ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۴ صراحتاً اعلام کرد، دولت با این طرح مخالف است. وی با اشاره به تجربه کاهش سقف مهریه در گذشته گفت: «مطالعات نشان داده حتی در دوره‌ای که ضمانت اجرایی مهریه به ۱۱۰سکه کاهش یافت، این اقدام منجر به کاهش دعای یا میزان مراجعه به دادگاه‌ها نشد. در واقع، این نوع تصمیم‌ها راهکار موثری برای تحکیم خانواده نیست». بهروزآذر همچنین تأکید کرد که محدود کردن اجرای مهریه به ۱۴سکه «فاقد مستندات صریح شرعی» است و در واقع برخلاف اختیار قانونی و شرعی زنان در مطالبه حق خود به شمار می‌رود. از دید وی، کاهش یکجانبه سقف مهریه بدون اصلاح همزمان سایر مقررات خانواده می‌تواند «موقعیت حقوقی و اقتصادی زنان را به طور قابل توجهی تضعیف کند». در مجموع دولت و معاونت امور زنان مواضع فقهی و حقوقی طرح را نقادانه ارزیابی کرده و آن را مغایر با منافع خانوار دانسته‌اند.

نقش حمایتی مهریه در حقوق زنان

مسئاله اصلی مخالفت دولت و فعالان حقوق زنان با طرح جدید، نقش تاریخی و حمایتی مهریه در نظام حقوقی ایران است. بهروزآذر در توضیح نظرات خود تصریح کرد: «مهریه در نظام حقوقی ایران صرفاً دین زوج یا یک تعهد مالی نیست بلکه ابزاری حمایتی مهم برای زنان است به ویژه در شرایطی که برخی حقوق دیگر مانند حق طلاق در انحصار زوج قرار دارد». از این منظر، مهریه را بخشی از تعادل حقوقی خانواده می‌دانند که در کنار حفظ کرامت زن، تضمین امنیت اقتصادی زوج‌ه را نیز بر عهده دارد. به زعم کارشناسان دولتی و حقوقدانان همکار دفتر معاونت امور زنان، کاهش یا محدودسازی پرداخت مهریه بدون ارائه راه‌حل‌های جایگزین (نظیر اعطای حقوق مالی یا حمایتی دیگر به زنان) در عمل منجر به «تضعیف موقعیت حقوقی و اقتصادی زنان در خانواده» می‌شود و با روح کلی شریعت اسلام که بر حمایت از کرامت زن تأکید می‌ورزد، تعارض دارد. سقف معینی برای مهریه تعیین نشده و مقرر کردن عدد مشخص (مثلاً ۱۴سکه) اقدامی «دستوری» و نادرست است.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاست‌گذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آرین‌فر • حروف‌چین: مجتبی دیدگر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اختلاف ۲۶۵

ادامه جمعه ۱۲ بهمن

افزایش قیمت آزاد ارز

[شبکه خبری] CNN [سی‌ان‌ان]، نوار جدیدی از بن‌لادن، [رهبر طالبان] را پخش کرده که گویا تلویزیون الجزیره تهیه کرده و مصلحت ندیده، پخش کنند؛ زیرا که او بر ادامه اقدام علیه آمریکا تأکید دارد. دولت آمریکا به آمریکاییان موجود در پاکستان و ایران، هشدار داده که مواظب جان خود باشند.

اعلام شده که يك فضایی‌مای ۳۱۵ ثنی آمریکایی که در سال ۱۹۹۲ برای مطالعه اشعه کیهانی ازجمله اشعه ماوراءبنفش به فضا رفته بود، عمرش تمام شده و بدون کنترل و هدایت، عازم زمین است و در جو متلاشی می‌شود و ممکن است قطعاتی از آن- اگر به نقاط مسکونی برخورد کند- خطرناک باشد؛ آخرین خبر می‌گوید، در آب‌های خلیج فارس سقوط کرده است.

رادیو [صدای آمریکا] [VOA] از اظهارات آقای [مهدی] کروی، [رئیس مجلس] در مسأله دادگاه [شهرام] جزایری، استقبال کرده و از قول [علیرضا] نوری‌زاده، [روزنامه‌نگار]، آن را شروع يك تحول-که باید به حذف [آقای هاشمی‌شاه‌رودی]، رئیس قوه قضائیه برسد- خوانده و نیز از اینکه دوم خردادی‌ها در محکوم کردن اظهارات بوش، [رئیس‌جمهور آمریکا] با جناح‌های دیگر و مستقل‌ها هم‌صدا شده‌اند، اظهار ناراحتی کرده است؛ انتظار داشتند که دوم خردادی‌ها، لااقل سکوت کنند. گفته می‌شود این موضع‌گیری‌ها به حیثیت آقای کروی صدمه وارد می‌کند.

آقای [محسن] صفایی‌فراهانی، سخنگوی کمیسیون تلفیق بودجه پس از چند بار عجز از جواب سوالات خبرنگاران از سخنگویی استعفا داد و گفت، نمی‌تواند از بودجه سال ۱۳۸۱ادفاع کنند؛ به خاطر ۱- کسر واقعی بودجه ۲- کم‌شدن اعتبارات عمرانی به نفع جاری ۳- هزینه کردن ذخایر صندوق ذخیره ارزی که بارها به آن افتخار می‌شده ۴- تصمیم به استقراض از منابع خارجی ۵- تورم‌زا بودن بودجه ۶- ضدداشتغال بودن بودجه به خاطر کم‌شدن اعتبارات عمرانی.

قیمت آزاد ارز، در چند روز اخیر، تحت تأثیر مسایل سیاسی و اقتصادی و وضع بودجه و قیمت نفت رو به افزایش گذاشته است. آقای [احمد] چنتی، در نماز جمعه [تهران] که در حرم امام برگزار شد، رئیس‌جمهور آمریکا را دیوانه و زنجیری خوانده است. جمعی از نظامیان اسرائیل از اجرای دستور برخورد با فلسطینی‌ها تمرد کرده‌اند و این برای اسرائیل به عنوان خطر جدی تلقی شده است.

تسام روز در منزل بودم؛ با مطالعه و استراحت و دیدار با بچه‌ها. فاطی در غیاب عفت، مشغول تهیه غذا و میزبانی است.

شنبه ۱۳ بهمن

جلسه کمیسیون زیربنایی

پیش از ظهر، کمیسیون زیربنایی [مجمع تشخیص مصلحت نظام] برای سیاست‌های کلی کشاورزی جلسه داشت. آقای [محمود] حجتی، وزیر [جهاد] کشاورزی، عمده وقت را برای گزارش گرفت. آقای [محسن] نوربخش، [رئیس‌کل بانک مرکزی] آمد و از آقایان [طهماسب] مظاهری، [وزیر امور اقتصادی و دارایی] و [محمد] ستاری‌فر، [رئیس سازمان برنامه و بودجه] انتقاد کرد که سیاست‌های پخته‌ای ندارند و آقای خاتمی، [رئیس‌جمهور] هم به جمع‌بندی نمی‌رسد و باعث شده، بودجه سال ۱۳۸۱ مشکل جدی داشته باشد؛ خواست که فکری بکنیم.

عصر آقای علی‌محمد بشمارتی، [وزیر اسبق کشور] آمد. نسبت به سیاست‌های داخلی به خاطر افشاگری‌ها و نزاع‌ها و طردهای جناحی بی‌مورد و غفلت از نیازهای اساسی کشور و از سیاست خارجی به خاطر تئدروی‌ها و ایجاد درگیری‌ها و استقبال از خطر مزاحمت‌های آمریکا و زیاده‌روی در طرح مسایل فلسطین انتقاد دارد.

تقویم: سرباز مقاومت

حسین امیرعبداللهیان، دیپلمات باسابقه و چهره‌ای شناخته شده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ازجمله معدود دیپلمات‌هایی بود که از بدنه انقلابی نظام برخاست و تا واپسین روزهای عمر، خود را «سرباز مقاومت» می‌دانست. او تحصیلات خود را در رشته روابط بین‌الملل تا مقطع دکتری ادامه داد و به سرعت در ساختار وزارت امور خارجه جایگاه یافت. سابقه فعالیت او در حوزه کشورهای عربی به‌ویژه عراق، سوریه، لبنان و منطقه خلیج‌فارس باعث شد به یکی از متخصص‌ترین دیپلمات‌های ایران در غرب آسیا تبدیل شود و هنگامی که وزیر امور خارجه در دولت سیزدهم شد، نقش محوری در شکل‌دهی به سیاست منطقه‌ای ایران ایفا کرد. امیرعبداللهیان دیپلماتی پرسابقه بود و توجه ویژه‌ای به پایتخت‌های منطقه و محور مقاومت داشت. او در اردیبهشت ۱۴۰۳ در سفری که به همراه سیدابراهیم رئیسی به آستان‌ارافته بود به دلیل سقوط بالگرد در ارتفاعات ورزقان، جان باخت و به شهادت رسید.

پدر تحریم‌ها

۴۵ سال از آغاز تحریم‌ها گذشت

علیرضا گوه‌ری

گروه تاریخ

۴۵ سال پیش، در اول خرداد سال ۱۳۵۹، نخستین جرعه تحریم‌های آمریکا علیه ایران زده شد. تحریم‌هایی که در آغاز، واکنشی موقت به یک بحران دیپلماتیک تصور می‌شد اما با گذر زمان به اصلی‌ترین سیاست ایالات‌متحده علیه ایران بدل شد.

به بهانه گروگان‌ها

ماجرا از اینجا آغاز شد که در نخستین ساعات بامداد روز ۱۱ آبان ۱۳۵۸ گروهی از دانشجویان که خود را «دانشجویان پیرو خط امام» می‌نامیدند، سفارت آمریکا در تهران را تسخیر کردند و کارکنان آن را به گروگان گرفتند. آنها این اقدام را «پاسخی انقلابی به دخالت‌های آمریکا در امور داخلی ایران» و به ویژه پناه دادن به محمدرضا شاه پهلوی در آمریکا می‌دانستند.

این بحران، ظرف چند روز به تیر اول رسانه‌های جهان تبدیل شد و حدود ۴۴۴ روز به طول انجامید. دولت آمریکا، ابتدا کوشید با فشارهای دیپلماتیک و میانجی‌گری کشورهای مانند الجزایر، مسأله را حل‌وفصل کند اما در نهایت به اتخاذ رویکردی سخت‌گیرانه متوسل شد. در اول خرداد ۱۳۵۹ دولت جیمی کارتر در واکنش به ادامه گروگان‌گیری، تحریم‌های مالی و تجاری گسترده‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال کرد. این تحریم‌ها شامل: توقیف تمامی دارایی‌ها و اموال ایران در بانک‌های آمریکایی (حدود ۱۲ میلیارد دلار)، ممنوعیت صادرات کالا و خدمات به ایران، تعلیق واردات از ایران به آمریکا و قطع روابط دیپلماتیک و اقتصادی رسمی بین دو کشور بود.

تحریم‌ها، اگرچه در آن مقطع به عنوان ابزاری برای آزادسازی گروگان‌ها به کار رفتند اما در واقع سرآغازی برای سیاست جدید در قبال ایران بودند.

در نهایت، در دی ماه ۱۳۵۹ با میانجی‌گری دولت الجزایر، گروگان‌ها آزاد شدند اما تحریم‌ها، برخلاف انتظار بسیاری، لغو نشدند. آنها به شکلی پایدار علیه ایران باقی ماندند.

تحریم‌ها بزرگ‌تر شدند

در دهه ۶۰ روابط ایران و آمریکا همچنان تیره و پرتش باقی ماند. درحالی که تهران و واشنگتن هیچ‌گونه رابطه رسمی نداشتند، تحریم‌ها به‌صورت ه‌د‌ف‌م‌ن‌د و موضعی ادامه یافتند و از حالت واکنشی خارج شده و به بخشی از سیاست استراتژیک آمریکا تبدیل شدند.

این موضوع تا اوایل دهه ۷۰ ادامه یافت. در سال ۱۳۷۴ دو سال مانده به پایان ریاست‌جمهوری آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، بیل کلینتون رئیس‌جمهور وقت آمریکا، گامی بلند در جهت تشدید تحریم‌ها برداشت. او طی یک فرمان اجرایی، هرگونه سرمایه‌گذاری در

صنعت نفت و گاز ایران را ممنوع کرد. چندی بعد این فرمان صادر شد که صادرات و واردات هر نوع کالا و خدمات از ایران و به ایران را ممنوع می‌کرد.

در همان سال، کنگره آمریکا نیز وارد عمل شد و «قانون تحریم‌های ایران و لیبی» که به نام قانون داماتو نیز شناخته می‌شود را تصویب کرد. این قانون تحریم‌هایی علیه شرکت‌های خارجی که بیش از ۲۰ میلیون دلار در صنایع نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری می‌کردند، در نظر گرفت. این نقطه، آغاز فراسرزمینی شدن تحریم‌های آمریکا بود؛ رویکردی که بعدها به شکلی ظالمانه بسیار گسترده‌تر دنبال شد. در این دوران گرچه تحریم‌ها هنوز محدود به بخش‌هایی خاص بودند اما عامدانه پیام مهمی به شرکت‌های جهانی و چند ملیتی ارسال شد مبنی بر اینکه ایران، کشوری پرریسک برای تجارت و سرمایه‌گذاری است!

تحریم‌ها سیاسی و اقتصادی

دهه‌های ۸۰ و ۹۰ دوره‌ای بود که تحریم‌ها از یک ابزار سیاست خارجی آمریکا، به ابزاری چندجانبه در سطح بین‌الملل تبدیل شدند. علت اصلی این تغییر، پرونده هسته‌ای ایران بود.

در سال ۱۳۸۲ و در سال‌های پایانی ریاست‌جمهوری سیدمحمد خاتمی، ایران رسماً از سوی غرب به تلاش برای دستیابی به توانایی ساخت سلاح هسته‌ای متهم شد. اتهامی بی‌پایه و به استناد مخالفان ایران و خصوصاً منافقین آتش آن تهیه شده بود. تهران این اتهام را رد کرد و برنامه خود را صلح‌آمیز خواند، اما تنش‌ها روزه‌روز بالا گرفت. نتیجه آن شروع یک روند طولانی تحریم‌های سازمان ملل بود: در سال ۱۳۸۵ نخستین قطعنامه تحریمی شورای امنیت (۱۶۹۶)



تصویب شد. در سال‌های بعد، قطعنامه‌های ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و ۱۹۲۹ به تدریج محدودیت‌های شدید بر فروش تسلیحات، فناوری‌های هسته‌ای، دارایی‌های مالی و سفر مقامات ایرانی وضع کردند.

ایالات‌متحده نیز هم‌زمان تحریم‌های یک‌جانبه خود را شدیدتر کرد: ابتدا بانک مرکزی ایران را در سال ۲۰۱۱ تحریم کرد و بعد از آن ممنوعیت مبادلات دلاری، تحریم کشتیرانی و بیمه کالاهای ایرانی و حتی تحریم صنایع خودرو، فولاد و پتروشیمی را بر آنها افزود. در این دوره، اتحادیه اروپا نیز به جمع تحریم‌کنندگان پیوست و با ممنوعیت خرید نفت ایران در سال ۲۰۱۲، فشار را چند برابر کرد. در نتیجه، صادرات نفت ایران از بیش از ۲.۵ میلیون بشکه در روز به کمتر از یک میلیون رسید. افزایش تورم، کاهش درآمد ارزی، بحران ارزی، اختلال در واردات دارو و کالاهای اساسی، همه از تبعات مستقیم این تحریم‌های ایران ستیزانه و ظالمانه بود که بر زندگی مردم اثر مستقیم گذاشت.

برجام و یک نفس تازه

پس از یک دهه پرتنش، در سال ۱۳۹۴ و در دوران ریاست‌جمهوری حسن روحانی، توافقی تاریخی بین ایران و گروه ۵+۱ (آمریکا، روسیه، چین، فرانسه، بریتانیا و آلمان) به امضا رسید. برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، هدفش محدودسازی برنامه هسته‌ای ایران در ازای لغو تدریجی تحریم‌ها بود.

اتحادیه اروپا و آمریکا وعده دادند که تحریم‌های مالی، بانکی و نفتی را لغو کنند. تا مدتی، امیدواری در فضای سیاسی و اقتصادی ایران پدید آمد. روابط بانکی ایران با برخی کشورها برقرار شد، سرمایه‌گذاران اروپایی به تهران آمدند، و حتی شرکت‌هایی مانند ایرباس و پژو قراردادهایی با ایران بستند. اما در اردیبهشت ۱۳۹۷ یک سال پس از آنکه حسن روحانی دور دوم ریاست‌جمهوری خود را آغاز کرده بود، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا شد و به طور یکجانبه از برجام خارج شد. او مدعی بود که توافق برجام «ضعیف و ناقص» و به ضرر آمریکا و به سود ایران است.

بازگشت تحریم‌ها در قالب «فشار حداکثری» عملاً تمام دستاوردهای اقتصادی برجام را نابود کرد. این تحریم‌ها حتی فراتر رفتند. آمریکا اعلام کرد هر شرکت یا کشوری که با ایران معامله کند را تحریم خواهد کرد که از آن به عنوان «تحریم ثانویه» نام برده شد.

در نتیجه، شرکت‌های بزرگ بین‌المللی، بانک‌ها و حتی موسسات بشردوستانه، همکاری با ایران را قطع کردند. تحریم‌ها نه‌تنها اقتصاد ایران بلکه مسیر دیپلماسی هسته‌ای را نیز مسدود کردند. این وضعیت تا آغاز ریاست‌جمهوری مسعود پزشکیان و ریاست‌جمهوری ترامپ ادامه داشت. از مدتی پیش گفت‌وگوهای غیرمستقیم بین دو طرف آغاز شد و با وجود تلاش‌هایی برای ازسرگیری گفت‌وگوهای هسته‌ای و رفع تحریم‌ها، مذاکرات به دلیل اختلافات سیاسی و فنی فعلاً به بن‌بست خورده است.